



## کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) با موفقیت برگزار شد

## گزارش سیاسی کمیته اجرائی سازمان به کنفرانس شانزدهم

رفقا

در فاصله دو سالی که از کنفرانس ۱۵ سازمان می‌گذرد، آشفتگی اوضاع سیاسی جهان، تحت تأثیر تشدید تضادهای نظم سرمایه‌داری، آشکارتر و برجسته‌تر شده است. به هر عرصه‌ای که نظر افکنید، بحران‌های این نظم جهانی به‌وضوح عمیق‌تر شده‌اند. ریشه و بنیاد تمام تضادها و بحران‌های نظام سرمایه‌داری در تضادهای شیوه تولید سرمایه‌داری، بن‌بست و بحران‌های اقتصادی آن است. ده سال از بحران جهانی سال ۲۰۰۷ که جهان سرمایه‌داری را به لرزه درآورد، گذشت، بدون این‌که طبقه سرمایه‌دار جهان، بتواند بر این بحران غلبه کند.

بر طبق گزارش ژانویه سال ۲۰۱۷ سازمان ملل، "وضعیت اقتصادی جهان و چشم‌اندازها"، رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۷، "همچنان در رویداد درازمدت رشد پائین، گرفتار باقی خواهد ماند." این گزارش می‌افزاید: رشد اقتصادی ۲ / ۲ درصدی سال ۲۰۱۶ کندترین نرخ رشد، از رکود بزرگ سال ۲۰۰۹ بود.

بانک جهانی نیز در "چشم‌اندازهای اقتصاد جهانی"، ژانویه ۲۰۱۷، می‌گوید: اوضاع اقتصادی جهان همچنان نا امید کننده است.

در صفحه ۳

اساسنامه سازمان فدائیان (اقلیت) مقرر داشته که کنفرانس‌های سازمان هر دو سال یکبار برگزار شود. این کنفرانس‌ها از قدرت تصمیم‌گیری‌های یک کنگره برخوردارند. اساسنامه، رهبری دوره‌ای سازمان را موظف ساخته که کنفرانس را در موعد مقرر، برگزار نماید.

در کنفرانس‌های سازمان، عملکرد رهبری و تشکیلات و چگونگی پیشرفت وظائفی که کنفرانس پیشین تعیین کرده بود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، وظائف سیاسی و تشکیلاتی دو سال آینده تعیین می‌شوند و یک رهبری جدید برگزیده می‌شود.

بر این اساس، رهبری منتخب کنفرانس پانزدهم، بر طبق ضوابط اساسنامه سازمان، سه ماه قبل از تشکیل کنفرانس شانزدهم، تدارک برگزاری این اجلاس را آغاز نمود. مهمترین وظیفه در این دوره تدارک سیاسی این اجلاس عالی سازمان بود. بدین منظور، کمیته اجرایی، گزارش عملکرد سیاسی و تشکیلاتی سازمان و ارزیابی خود را از جهت و چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی و تاکتیک‌های سازمان در اختیار تشکیلات قرارداد تا در بخش‌های مختلف سازمان و جلسات وسیع بحث و گفتگو، مورد بررسی قرار گیرند و رفقای شرکت‌کننده در کنفرانس با آمادگی کامل در این اجلاس عالی سازمان حضور یابند.

این گزارش مشتمل بر دو بخش مجزای سیاسی و تشکیلاتی بود. در بخش سیاسی گزارش که اکنون انتشار می‌یابد، اوضاع سیاسی ایران و جهان در دو سال گذشته مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که ارزیابی کنفرانس پیشین و اتحاد تاکتیک‌ها با تحول اوضاع سیاسی انطباق داشته است. در این گزارش با استناد به فاکت‌های اقتصادی و سیاسی موجود، جهت تحول اوضاع سیاسی در ایران و جهان، تحلیل و بر مبنای آن وظائف سیاسی و تاکتیک‌های سازمان تعیین شده‌اند.

در بخش تشکیلاتی گزارش که به دلایل امنیتی، انتشار علنی نمی‌یابد، عملکرد کمیته اجرایی و تمام کمیته‌های تشکیلاتی در جزئیات مورد بحث قرار گرفته بود، نقاط مثبت و منفی فعالیت آن‌ها و این‌که تا چه حد در پیشبرد وظائف تعیین شده از سوی کنفرانس پیشین موفق بوده‌اند، ارزیابی شده بود.

در این دوره سه‌ماهه، علاوه بر مباحث مربوط به گزارش سیاسی و تشکیلاتی، قطعه‌هایی از سوی رفقا در مورد اصلاحات اساسنامه‌ای و برنامه‌ای، برای تصمیم‌گیری در کنفرانس ارائه شد که از طریق بولتن بحث در اختیار همه رفقای سازمان قرار گرفت.

در صفحه ۲

### پیام شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به طبقه کارگر

در صفحه ۲۰

### پیام شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به هواداران و فعالان سازمان در داخل کشور

در صفحه ۱۱

### پیام شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان به خانواده‌های جانب‌باختگان و زندانیان سیاسی

در صفحه ۱۲

### پیام شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) به زنان کارگر و زحمتکش ایران

در صفحه ۱۳

### پیام فعالان داخل کشور- سازمان فدائیان (اقلیت) به کنفرانس شانزدهم

در صفحه ۱۴

### خلاصه ای از اطلاعاتی های سازمان

در صفحه ۱۷

## کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) با موفقیت برگزار شد



باقی می‌ماند. اما هر کنفرانس سازمان می‌تواند با ضوابط تعیین شده مصوبات قدیمی را لغو و مصوبات جدیدی را جایگزین آن‌ها سازد. بنابراین اشکالی در بند اساسنامه نیست.

این قطعنامه به رأی‌گیری گذاشته شد و با ۳۴ درصد آرای موافق، ۵۴ درصد مخالف و ۱۲ درصد ممتنع، رد شد.

قطعنامه دیگری که در دستور کار کنفرانس قرار گرفت و پیشنهاد تغییراتی در برنامه سازمان را داشت، به شرح زیر بود:

"رفقای گرامی!

سه دهه از نگارش برنامه سازمان می‌گذرد. در این سال‌ها تحولات زیادی رخ داده و از لحاظ نظری نیز ما تحولاتی را پشت سر گذاشته‌ایم. مخاطب اصلی این برنامه نه من و شما که کارگران و زحمتکشان هستند. به همین دلیل ضروریست تا برنامه سازمان بازبینی شده و کلمات و جملاتی که امروز دیگر دقیق نیستند و نمی‌توانند نظرات ما را به درستی برای مخاطبان بیان کنند و حتی می‌توانند باعث نوعی توهمات نسبت به این نظرات شوند، با کلمات و جملاتی جدید جایگزین گردند.

بنابراین پیشنهاد می‌کنم:

کمیته اجرایی آینده مسئولیت بازنویسی برنامه را برعهده بگیرد. کمیته اجرایی پس از بازنویسی برنامه، آن را به شکلی که مناسب می‌بیند در درون تشکیلات به بحث می‌گذارد تا با دقیق‌تر و نهایی شدن آن به کنفرانس بعدی ارائه گردد.

کنفرانس بعدی در نهایت در ارتباط با تغییرات پیشنهاد شده، مورد به مورد (و یا در صورت موافقت کنفرانس یکجا)، نظر خود را اعلام خواهد کرد.

کمیته اجرایی وظیفه‌ی بازنویسی برنامه را در صورت لزوم می‌تواند به گروهی (از درون یا بیرون کمیته اجرایی) یا به ارگان دیگری از تشکیلات همچون تحریریه و اگذار کند.

بدیهیست که این پیشنهاد مانع آن نیست که اگر رفقایی پیشنهادی برای تغییر در برنامه داشتند و در پیشنهادات نهایی کمیته اجرایی نیامده بود، در کنفرانس آینده به صورت جداگانه مطرح سازند." این قطعنامه، به روش قطعنامه پیشین به بحث گذاشته شد.

رفیق پیشنهاددهنده قطعنامه در توضیح آن یادآور شد که منظور از بازنویسی، کل برنامه نیست بلکه تدقیق و اصلاح برخی واژه‌ها و بندها، از نمونه سرمایه‌داری وابسته یا جنبش‌های انقلابی - دموکراتیک ضد امپریالیست است که می‌تواند مورد سوءاستفاده برخی جریان‌ها قرار گیرد.

در مخالفت با این قطعنامه یکی از رفقاً توضیح داد که اگر منظور بازنویسی تمام برنامه نیست، کمیته اجرایی یا یک گروه مجزای دیگر نمی‌تواند وظیفه‌ای که حدود و جوانب آن روشن نیست برعهده گیرد. رفیق یا رفقایی که پیشنهاد اصلاح واژه‌ها یا بندهایی از برنامه را دارند، می‌توانند آن را در تشکیلات سازمان به بحث بگذارند و به صورت یک قطعنامه مشخص به کنفرانس آتی ارائه دهند. این قطعنامه به رأی‌گیری گذاشته شد و با ۳۴ درصد آرای موافق، ۴۰ درصد مخالف و ۲۶ درصد ممتنع رد شد.

دستور کار بعدی کنفرانس، گزارش سیاسی بود. هیئت رئیسه از کمیته اجرایی پیشین خواست که

مورد تشویق و استقبال حاضران واقع گردید و پیرامون پیشنهادات رفقا بحث و تبادل نظر صورت گرفت. بررسی و گفتگو پیرامون گزارش تشکیلات یک روز ادامه یافت. پس از آنکه هیئت‌رئیسۀ کفایت بحث را اعلام نمود، گزارش تشکیلاتی به رأی‌گیری گذاشته شد و با ۹۰ درصد رأی موافق و ۱۰ درصد ممتنع به تصویب رسید.

دستور کار بعدی کنفرانس قطعنامه‌هایی بود که به کنفرانس ارائه شده بود. نخست قطعنامه‌ای که خواستار افزوده‌ای به یکی از بندهای اساسنامه سازمان بود، به بحث گذاشته شد. در فصل چهارم اساسنامه سازمان "ارگان‌های عالی سازمان" در بند ۲، ماده ۱۹، پیرامون وظایف و قدرت کنگره، از جمله آمده است، و - تصویب قطعنامه‌ها.

"قطعنامه اصلاح یکی از زیر بندهای اساسنامه سازمان" می‌گفت: نظر به این‌که در بند ۲/ و، فرمول‌بندی آن کامل نمی‌باشد و می‌تواند درک‌های متفاوتی را شامل شود، به شکل زیر تغییر کند.

و - تصویب قطعنامه‌ها، این قطعنامه‌ها تا کنفرانس بعدی سازمان رسمیت دارند."

بر طبق ضوابط آیین‌نامه، از رفیق ارائه‌دهنده قطعنامه خواسته شد که ده دقیقه پیرامون این قطعنامه توضیح دهد. تأکید رفیق عمدتاً بر این نکته متمرکز بود که این افزوده به بند اساسنامه به‌منظور رفع هرگونه ابهام و برداشت‌های متفاوت از بند موجود در آینده است. سپس هیئت‌رئیسۀ خواست که دو رفیق در موافقت و مخالفت با قطعنامه صحبت کنند. رفیق موافق بر همان توضیح قبلی تأکید داشت. رفیقی که در مخالفت با قطعنامه صحبت کرد، گفت: مصوبات کنفرانس‌های پیشین مادام که از سوی ارگان‌های عالی سازمان رسماً نفی نشده‌اند، به اعتبار خود

پس از اتمام دوره سه‌ماهه تدارک سیاسی، کنفرانس شانزدهم سازمان در روزهای سوم تا پنجم شهریورماه برگزار شد.

پیش از آن‌که کنفرانس رسماً کار خود را آغاز کند، یکی از اعضای کمیته اجرایی سازمان، ضمن خوش‌آمدگویی به رفقای شرکت‌کننده، از اجلاس خواست به‌پاس جان‌فشانی و قهرمانی رفقایی که در راه اهداف بزرگ سازمان، آزادی و سوسیالیسم، جان باختند، یک دقیقه کف بزنند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد، هیئت‌رئیسۀ کنفرانس را انتخاب کنند و پایان کار خود را اعلام کرد.

سه تن از رفقاً، به‌اتفاق آراء به‌عنوان هیئت‌رئیسۀ انتخاب شدند. سپس آیین‌نامه اجلاس و روال کار کنفرانس، توسط هیئت‌رئیسۀ به رأی‌گیری گذاشته شد و به‌اتفاق آراء تصویب شد.

بر طبق آیین‌نامه، تصمیمات در مورد مسائل مربوط به برنامه و اساسنامه سازمان با اکثریت مطلق و در موارد دیگر با اکثریت نسبی اتخاذ خواهد شد. همچنین رأی‌گیری در مورد تمام مسائل به‌استثنای انتخاب رهبری جدید علنی خواهد بود.

هیئت‌رئیسۀ پیش از آن‌که بحث گزارش‌ها آغاز شوند، از کمیته اجرایی پیشین خواست که یک رفیق در مورد رفقای شرکت‌کننده در کنفرانس گزارش دهد و به سؤالات رفقا پیرامون گزارش تشکیلاتی که در دستور کار قرار گرفته بود، پاسخ دهد. رفیق کمیته اجرایی در گزارش خود به تعدادی از رفقاً که نتوانسته بودند در کنفرانس حضور یابند، و دلایل و مشکلات آن‌ها اشاره کرد و به سؤالاتی که مطرح شد، پاسخ گفت. بعد از آن تعدادی از رفقاً پیرامون این گزارش، جوانب مختلف آن بحث کردند و برخی پیشنهادها نیز برای دوره دوساله آتی ارائه دادند. در جریان بحث گزارش تشکیلاتی، پیام رفقای "هسته مقاومت رفیق بهروز دهقانی" خوانده شد که

## گزارش سیاسی کمیته اجرائی سازمان به کنفرانس شانزدهم

بر طبق این گزارش، نرخ رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته که در سال ۲۰۱۵ به ۲/۷ درصد افزایش یافته بود، در سال ۲۰۱۶ مجدداً سقوط کرد و به ۱/۶ درصد کاهش یافت. نرخ رشد ۲/۶ درصدی ایالات متحده، به ۱/۶ درصد و منطقه یورو نیز از ۲ درصد به ۱/۶ درصد کاهش یافت. در دیگر کشورها و مناطق جهان نیز وضع بر همین منوال بود. نرخ رشد ۳/۷ درصدی چین در ۲۰۱۴ به ۴/۷ درصد، اقتصادهای نوظهور درحال توسعه از ۴/۳ به ۴/۴ درصد و آمریکای لاتین از ۹/۰ درصد به ۴/۱ درصد در ۲۰۱۶ تنزل نمود. در همین فاصله نرخ رشد تجارت جهانی نیز از ۳/۷ درصد به ۲/۵ درصد کاهش یافت.

همانگونه که از آمار رسمی برمی آید، این بحران مزمن، پیوسته ژرفتر شده، حتی در کشورهایی با بنیه اقتصادی قدرتمند، بحران هنوز اندکی بهبود نیافته، دوباره روند نزولی در پیش گرفته است. ایالات متحده آمریکا که یک بهبود نسبی نرخ رشد ۲/۶ درصدی را در ۲۰۱۵ تجربه کرد، در سالی که گذشت بار دیگر گامی به پس نهاد و نرخ رشد در مقایسه با سال قبل از آن به شدت کاهش یافت. اتحادیه اروپا همچنان با رکودی سنگین مواجه است و در کنار یونان، اسپانیا، پرتغال و اغلب کشورهای اروپای شرقی، وضعیت برخی کشورهای دیگر از نمونه ایتالیا وخیمتر شده است.

بانک جهانی چنین نتیجه گیری می کند: "با مدنظر قرار دادن پیوند تقاضا، سرمایه گذاری، تجارت، بارآوری، رویداد امتداد یافته رشد ضعیف جهانی، می تواند در غیاب سیاست متمرکز تلاش برای احیای سرمایه گذاری و یاری رساندن به احیای بارآوری، به امری ابدی تبدیل شود. و این باعث می گردد که دیگر نتوان فقر شدید را برانداخت و ایجاد کار شرافتمندانه برای همه را محقق ساخت."

این تصویری است که سازمان های بین المللی جهان سرمایه داری از بحران اقتصادی مزمن و لاینحل جهانی ارائه می دهند.

کشورهایی که تا کنفرانس قبلی سازمان، آسیب کمتری از بحران دیده بودند، بحران، آن ها را نیز به کام خود کشید. تمام کشورهای آمریکای لاتین اکنون با وخیمترین بحران های اقتصادی مواجه اند. سیر نزولی رشد اقتصادی چین، تشدید شده است. کشورهای باصطلاح ثروتمند نفت خیز خاورمیانه، با وضعیتی وخیمتر از سال های قبل مواجه شدند. بنابراین، بحران اقتصادی جهان سرمایه داری، در مجموع تشدید شد. عجلاتاً هیچ چشم اندازی برای غلبه نظام سرمایه داری بر تضادهای شیوه تولید و بحران های آن وجود ندارد.

پی آمد ادامه بحران اقتصادی و سیاست های اقتصادی دولت های سرمایه داری، افزایش بیکاری و وخیمتر شدن شرایط معیشتی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان بوده است.

آخرین گزارش سازمان بین المللی کار، افزایش روزافزون تعداد بیکاران را پیش بینی کرده است. این سازمان، رقم نهائی تعداد بیکاران را در ۲۰۱۵، ۱۹۷ / ۱۹۹ میلیون و برای سال ۲۰۱۶، با افزایش ۳ / ۲ میلیونی ۱۹۹ / ۱۹۹ میلیون و برای سال ۲۰۱۷ افزایش ۱ / ۱ میلیون را پیش بینی کرده است. پیش بینی سال ۲۰۱۸ نیز یک افزایش ۲ / ۷ میلیونی است. این واقعیتی است که ارقام اعلام شده سازمان بین المللی کار، مستند به گزارش های قلابی دولتهایی از نمونه جمهوری اسلامی است که رقم لااقل ۱۰ میلیونی بیکاران ایرانی را ۲۳ تا ۳ میلیون اعلام کرده است. بنابراین، آمار واقعی بیکاران جهان لااقل باید دو برابر رقمی باشد که سازمان جهانی کار اعلام می کند.

در همان حال که بحران اقتصادی، میلیون ها تن دیگر از کارگران و زحمتکشان را به اردوی بزرگ بیکاران جهان افزوده است و در بسیاری از کشورها از نمونه ایران، کارگرانی که اخراج شده اند، از حداقل امکان زندگی محروم اند و بر شرایط فقر مطلق با گرسنگی زندگی می کنند، دولت های سرمایه داری با اتخاذ سیاست موسوم به ریاضت، دستمزدها را کاهش داده و امکانات اجتماعی و رفاهی کارگران را بیش از پیش محدود کرده اند. نتیجتاً وضعیت معیشتی کارگران سراسر جهان پیوسته وخیمتر شده، دامنه فقر گسترده تر و شکاف فقر و ثروت عمیق تر و وسیع تر شده است.

گزارش ژانویه سازمان آکسفام برآورد می کند که ثروت ۸ نفر در جهان برابر با نیمی از جمعیت فقیر جهان ۳ / ۶ میلیارد نفر است. درحالی که در فاصله ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۱ درآمد ۱۰ درصد از فقیرترین مردم جهان، سالانه کمتر از ۳ دلار افزایش یافته، درآمد ۱ درصد ثروتمندان ۱۸۲ برابر شده است. این گزارش با اشاره به تحقیقات پیکتی، یادآور می شود که در

ایالات متحده در ۳۰ سال گذشته، رشد درآمد ۵۰ درصد جمعیت پائینی، صفر بوده است، درحالی که درآمد ۱ درصد جمعیت ۳۰۰ درصد رشد داشته است. برای مثال یک مدیرکل بزرگترین ۱۰۰ شرکت جهان، درآمد سالانه اش به اندازه دریافتی ۱۰ هزار کارگر نساجی بنگلادش است.

در یک چنین شرایطی از شکاف عمیق فقر و ثروت در جهان، در حالی که در نتیجه تشدید بحران، بیکاری و فقر افزایش یافته، وضعیت مادی و معیشتی طبقه کارگر مدام وخیمتر شده است و طبقه سرمایه دار از طریق سیاست ریاضت نیز کوشیده است هرچه بیشتر بار بحران را بر دوش کارگران قرار دهد، تضادهای طبقاتی تشدید شده و مبارزات کارگران دامنه وسیعتری به خود گرفته است.

در سال ۲۰۱۶، بزرگترین اعتصاب جهان توسط کارگران هند برپا گردید. در سپتامبر ۲۰۱۶ با فراخوان اتحادیه های کارگری، ۱۸۰ میلیون کارگر، در اعتراض به سیاست های ضد کارگری نئولیبرال کابینه جناح راست بورژوازی، در یک اعتصاب عمومی و سراسری شرکت کردند و با طرح مجموعه ای از مطالبات، خواستار توقف اقدامات کابینه و بهبود شرایط زندگی توده های کارگر و زحمتکش هندی شدند.

کارگران فرانسوی با برپائی یک رشته اعتصابات، تظاهرات و تجمعات بی دریبی در ماه های مارس و آوریل ۲۰۱۶، تظاهرات همزمان در ۲۰۰ شهر فرانسه، گردهم آئی ها شبانه در مراکز شهرها به ویژه پاریس، تعطیل نیروگاه های هسته ای و پالایشگاه ها، قهرمانانه در برابر تعرضات بورژوازی به دست آوردهای طبقه کارگر در قانون کار این کشور ایستادگی کردند.

ده ها اعتصاب عمومی، در دیگر کشورهای جهان نیز رخ داد. طبقه کارگر یونان در اعتراض به سیاست اقتصادی نئولیبرال، چندین اعتصاب عمومی و تظاهرات خیابانی برپا کرد. در اعتصاب عمومی سراسری کارگران اسپانیا که با راهپیمایی و تظاهرات همراه بود، صدها هزار کارگر شرکت کردند. اعتصابات و تظاهرات کارگران بلژیک در ماه مه و اکتبر ۲۰۱۶ سراسر این کشور را به تعطیل کشاند. کارگران اتومبیل سازی هیوندا و کارگران حمل و نقل کره جنوبی، اعتصابات عمومی و تظاهرات چند هفته ای گسترده ای را سازمان دادند. اعتصابات کارگران تأسیسات نفتی نیجریه و برزیل نیز در زمره اعتراضات مهم کارگری سال ۲۰۱۶ بود. در اغلب کشورهای اروپایی، کارگران و کارمندان وسایل نقلیه زمینی و هوایی، اعتصابات متعددی را سازمان دادند. هزاران اعتصاب، تظاهرات و راهپیمایی در سطحی محدودتر نیز در سراسر جهان در طول سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رخ داد. تظاهرات و راهپیمایی ده ها هزارتن از اعضای اتحادیه های کارگری و احزاب چپ آلمانی در جریان اجلاس گروه ۲۰ در اعتراض به سیاست های بورژوازی جهانی، یکی از اعتراضات برجسته در سال ۲۰۱۷ بود.

از سوی دیگر، درحالی که تضادها مدام تشدید شده اند و سیاست های احزاب سنتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری برای مهار بحران با شکست کامل روبه رو شده است، احزاب نژادپرست، خارجی ستیز و فاشیست، شدیداً رشد کرده اند. در دو سال گذشته نژادپرستی، خارجی ستیزی و گرایش های فاشیستی، تقریباً در عموم کشورهای پیشرفته سرمایه داری به ویژه در اروپا وسیعاً رشد کرد. احزاب و سازمان های نژادپرست و فاشیست که برآمده از بحران های عمیق نظم سرمایه داری اند، تلاش نمودند به ویژه از وحشیگری تروریست های اسلامگرا علیه مردم غیرنظامی، در خدمت اهداف ضد انسانی خود بهره گیرند و با استفاده از خشم و ناراضی توده های کارگر و زحمتکش، جهت اصلی مبارزه آن ها را که علیه سرمایه داری، بیکاری، فقر و نابرابری است، منحرف سازند. این احزاب فوق ارتجاعی تلاش می کنند مسبب تمام وضعیت وخیم مادی و معیشتی کارگران، بیکاری و فقر را مهاجرین، پناهندگان و مسلمانان معرفی کنند.

تجربه و تاریخ نشان داده است که فاشیسم، نژادپرستی و جنگ، راحل نهائی بورژوازی جهانی برای مقابله با بحران های علاج ناپذیر نظم سرمایه داری است. این واقعیت به وضوح در نیمه اول قرن بیستم نشان داده شد.

همین شکست های بورژوازی، تضادهای لاینحل، بحران های ژرف و ناراضی توده ای است که اتحادیه اروپا را از درون با بحران روبه رو ساخته و انگلیس را در پی رفراندوم ۲۳ ژوئن سال گذشته به خروج از اتحادیه اروپا واداشت. در نتیجه همین تضادها و بحران هاست که در ایالات متحده آمریکا نیز از درون مقتضحترین انتخابات، ترامپ سر برآورد.

## گزارش سیاسی کمیته اجرایی سازمان به کنفرانس شانزدهم

حتی فراموشی جهانی اقتصاد، این نهاد سرمایه‌داران جهان نیز این را فهمیده است که تضادهای شیوه تولید، شکست سیاست‌ها و شکاف عمیق فقر و ثروت، در پشت برکسیت و رأی به ترامپ قرار دارد و در بیانیه خود هشدار می‌دهد که این شکاف و قطب‌بندی شدن، خطری برای اقتصاد جهان در ۲۰۱۷ است و اگر چاره‌اندیشی نشود، جهانی‌سازی را به عقب برمی‌گرداند. موج تروریسم اسلامی که بخش بزرگی از جهان را فراگرفته و از خاورمیانه و شبه‌قاره هند تا بخشی از آفریقا بسط یافته و به اروپا رسیده است، نمونه دیگری از بحران‌های نظام سرمایه‌داری است. روزی نمی‌گذرد که اخباری از ترور و بمب‌گذاری در افغانستان، پاکستان، هند، ترکیه، عراق، سوریه، مصر، تونس، لیبی، نیجریه و تعداد دیگری از کشورهای آفریقایی انتشار پیدا نکند. این موج تروریسم اسلام‌گرایان اکنون به فرانسه، بلژیک، آلمان، انگلیس، سوئد، فنلاند، اسپانیا و روسیه در اروپا نیز رسیده است. این تروریسم، روزمره جان‌ده‌ها و صدها انسان را می‌گیرد. در طول دو سال گذشته ده‌ها هزار تن از مردم بی‌دفاع و غیرنظامی در نتیجه اقدامات وحشیانه تروریستی اسلام‌گرایان به قتل رسیده‌اند.

هرچه تضادهای نظام سرمایه‌داری حادتر شده و بحران‌های آن عمیق‌تر شده است، تضادها، اختلافات و رقابت‌های درونی قدرت‌های امپریالیست جهان نیز تشدید شده است. کشمکشی که بر سر مسئله اوکراین میان قدرت‌های امپریالیست اروپایی و آمریکایی با امپریالیسم روس آغاز شده بود، از اکتبر ۲۰۱۵ با دخالت نظامی مستقیم روسیه در درگیری‌های سوریه، وارد مرحله جدیدی شده است. روسیه به‌عنوان یک قدرت نظامی مهم، رودرروی رقبای امپریالیست آمریکایی و اروپایی خود، برای تقسیم مجدد بازارهای جهان قرار گرفته است. موضع‌گیری‌های ترامپ پس از پیروزی در انتخابات، حاکی از بروز شکاف در صفوف دو قدرت اروپایی و آمریکایی است. در خود اتحادیه اروپا نیز تضادها و اختلافات پیوسته رشد کرده است.

رشد میلیتاریسم، پی آمد تضادها و بحران‌های نظام سرمایه‌داری و رقابت‌های قدرت‌های امپریالیست بوده است. صنایع نظامی و بازار تسلیحات رونق گرفته است. بودجه‌های نظامی پیوسته در حال افزایش است و تمام بزرگترین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در حال انباشتن زرادخانه‌های سلاح‌های مدرن و کشتار جمعی‌اند.

گزارش انستیتوی تحقیقاتی صلح بین‌المللی استکهلم در فوریه ۲۰۱۷ حاکی است که حجم انتقال بین‌المللی سلاح‌های عمده

از ۲۰۰۴ به بعد رشد قابل‌ملاحظه‌ای داشته و در دوره‌های ۵ ساله ۲۰۰۷-۲۰۱۱ و ۲۰۱۲-۲۰۱۶ ۴ / ۸ درصد افزایش یافته است و به بالاترین سطح پس از پایان جنگ سرد رسید. این سلاح‌ها عمدتاً به‌سوی آسیا سرازیر شده‌اند. ۷۴ درصد صدور این سلاح‌ها توسط آمریکا، فرانسه، آلمان، روسیه و چین بوده است. گذشته از هند که یکی از واردکنندگان سلاح است، در خاورمیانه، حجم واردات سلاح، ۸۶ درصد رشد کرد که در فاصله ۲۰۱۲-

۲۰۱۶، ۲۸ درصد کل واردات جهانی را به خود اختصاص داد. عربستان سعودی دومین واردکننده جهانی سلاح بود که در فاصله ۲۰۱۱-۲۰۱۶ نسبت به دوره ۵ ساله قبل افزایش ۲۱۲ درصدی را داشت. سپس قطر قرار گرفت با افزایش ۲۴۵ درصدی. عربستان در سال ۲۰۱۷ نیز یک قرارداد خرید تسلیحات صد میلیارد دلاری، تنها با دولت آمریکا منعقد ساخته است.

یکسوم صادرات تسلیحات در دست آمریکا است که در فاصله ۲۰۱۲-۲۰۱۶، ۲۱ درصد نسبت به دوره ۵ ساله قبل افزایش داشت. نیمی از این سلاح‌ها به خاورمیانه فرستاده شده‌اند. روسیه نیز سهم ۲۳ درصدی از این صدور تسلیحات را در اختیار دارد. کل مخارج نظامی جهانی از ۱ / ۱۴ تریلیون در ۲۰۰۱ به ۱ / ۷۱۱ تریلیون در ۲۰۱۵ افزایش یافت.

رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در اوایل سال جاری اعلام کرد بودجه نظامی آمریکا ۵۴ میلیارد دلار حدوداً ۱۰ درصد افزایش خواهد یافت. کل بودجه نظامی آمریکا حدود ۶۰۰ میلیارد دلار در سال است. بودجه نظامی آمریکا به‌تنهایی بیش از مجموع بودجه نظامی کشورهای روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا، آلمان، ژاپن و هند است. این افزایش بودجه‌های نظامی و رونق بازار تسلیحات، بیان روشنی از این واقعیت است که با تشدید تضادها، قدرت‌های جهانی امپریالیست و متحدان منطقه‌ای آن‌ها خود را برای درگیری‌ها و جنگ‌های گسترده‌تری در سراسر جهان آماده می‌کنند. تمرکز نیروهای نظامی ناتو در کشورهای هم‌مرز با روسیه، میلیتاریزه شدن کشورهای شرق آسیا، مانورهای نظامی امپریالیسم آمریکا در این منطقه، گسیل ناوهای جنگی، ایجاد پایگاه‌های نظامی چین در دریای چین جنوبی و تحریکات نظامی امپریالیسم آمریکا در شبه‌جزیره کره، همگی بازتاب اوضاع

خطرناک جنگی و تمایلات جنگ‌افروزانه امپریالیست‌ها است. این تشدید تضادهای قدرت‌های جهانی و تمایلات جنگ‌طلبانه قدرت‌های امپریالیست به بارزترین شکل در خاورمیانه آشکار است که وخیم‌ترین بحران را تجربه می‌کند. تمام قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای زیرپوشش مبارزه علیه داعش و القاعده، در این منطقه، در حال جنگ مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر برای تقسیم بازارهای منطقه، آزمایش سلاح‌های جدید، انواع موشک‌ها، بمب‌افکن‌ها و قدرت تخریبی بمب‌های جدید و برآورد قدرت یکدیگرند. جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه، یمن و افغانستان این کشورها را به ویرانه تبدیل کرده است. صدها هزار تن از مردم بی‌دفاع غیرنظامی توسط دولت‌های حاکم بر این کشورها، قدرت‌های مداخله‌گر جهانی و منطقه‌ای و اسلام‌گرایان، بی‌رحمانه به قتل رسیده و صدها هزار معلول شده‌اند. چندین میلیون تن از مردم این کشورها آواره شده که عمدتاً در اردوگاه‌هایی فاقد حداقل امکانات به سر می‌برند و زندگی فلاکت‌باری را سپری می‌کنند.

دولت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی ریاکارانه ادعای مبارزه با بنیادگرایان اسلامی را دارند. درحالی‌که هر کس می‌داند، تقریباً عموم رژیم‌های سیاسی حاکم بر کشورهای این منطقه، خودشان رژیم‌های استبدادی مذهبی و مبلغ و مروج بنیادگرایی و فرقه‌گرایی اسلامی هستند و قدرت‌های امپریالیست نیز آن‌ها را تقویت می‌کنند. چه کسی امثال طالبان، القاعده و دیگر اسلام‌گرایان وحشی را در افغانستان ایجاد و تقویت کرد؟ چه کسی به استقرار رژیم‌های ارتجاعی مذهبی از نمونه جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و عراق یاری رساند؟ چه کسی سال‌های متمادی از رژیم‌های ارتجاعی مذهبی از قماش عربستان، شیخ نشین‌ها و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرد؟ چه کسی با اشغال کشور عراق به استقرار دولت دینی شیعه مذهب عراق یاری رساند و به همراه جمهوری اسلامی ایران، جنگ فرقه‌های شیعه و سنی را به راه انداخت؟ روشن است، امپریالیسم آمریکا، انگلیس، فرانسه و دیگر قدرت‌های امپریالیست متحد آنها. علاوه بر این یکی از عوامل رشد اسلام‌گرایی در منطقه خاورمیانه، سیاست‌های اشغال‌گرانه، نژاد پرستانه و سرکوبگرانه رژیم اسرائیل علیه مردم فلسطین است که از حمایت قدرت‌های امپریالیست به ویژه امپریالیسم آمریکا برخوردار است.

قدرت‌های امپریالیست و متحدان منطقه‌ای آن‌ها زیرپوشش مبارزه با بنیادگرایی و تروریسم اسلامی، بر سر مناطق نفوذ و تقسیم بازارهای منطقه در حال کشمکش و نزاع‌اند. حتی اگر منافع آن‌ها درجایی مبارزه با بنیادگرایی و تروریسم اسلامی باشد، رامحلی برای مقابله با آن ندارند. رشد اسلام‌گرایی در اساس، نتیجه فقر، بیکاری، نابرابری، ناآگاهی، خرافات دینی ریشه‌دار، استبداد و بی حقوقی، دولت‌های مذهبی و حمایت از فرقه‌گرایی، سیاست‌های توسعه‌طلبانه و اسارت‌بار امپریالیستی و نارضایتی توده‌ای است. اما این‌که چرا از درون این نارضایتی توده‌ای، واپس‌گرایی، جنبش‌های اسلام‌گرا و نزاع‌های فرقه‌ای رشد می‌کند، بیان چیز دیگری جز گنبدگی و انحطاط نظم سرمایه‌داری نیست. به همان دلیل که عجالتاً در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری از درون بحران و نارضایتی توده‌ای، به علت عدم آمادگی طبقه کارگر برای سرنگونی نظم موجود، نژادپرستی و فاشیسم رشد کرده است. بنابراین، جنگ، بمباران و کشتار راه حل نیست. اگر داعش و طالبان هم برافتنند، زمینه‌های عینی برای پیدایش ده‌ها داعش و القاعده و طالبان دیگر وجود دارد.

بحران‌های سیاسی نظم سرمایه‌داری جهانی در تمام مناطق جهان به اشکال مختلف دیده می‌شوند.

به آمریکای لاتین نگاه کنید. اغلب کشورهای این منطقه، بار دیگر در پی تشدید بحران اقتصادی جهانی با بحران‌های سیاسی مواجه شده‌اند. موج اعتراضات، تظاهرات و درگیری‌های خیابانی بار دیگر به پدیده‌ای عادی و روزمره در این کشورها تبدیل شده است.

موج مهاجرتی که به‌ویژه از آفریقا به‌سوی اروپا راه افتاده، جلوه دیگری از بحران نظام سرمایه‌داری جهانی است. توده‌های مردمی که از فقر، گرسنگی، بیکاری، فجایع ناشی از جنگ‌های ارتجاعی و وحشی‌گری اسلام‌گرایان جان‌شان به لب رسیده است، حاضرند حتی گروه گروه جان خود را در امواج مرگبار اقیانوس از دست بدهند و خود را به اروپا برسانند تا شاید از این فجایع رها شوند.

تمام آنچه که گفته شد، نه‌فقط تشدید تضادها و بحران‌های نظام سرمایه‌داری جهانی را در طول دو سال گذشته نشان می‌دهد، بلکه این

## گزارش سیاسی کمیته اجرائی سازمان به کنفرانس شانزدهم

تا ۷۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. کسری بودجه نیز بازتاب بحران مالی رژیم و تلاش برای انتقال آن به اشکال مختلف بر دوش توده‌هاست. پیش‌بینی می‌شود که بودجه سال ۹۶ نیز، بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان کسری داشته باشد.

بحران مالی بانک‌ها نیز همچنان پابرجا مانده است. مجموع رقم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی طبق آمار رسمی در تیرماه ۱۳۹۵، به ۷/۱۶۶ هزار میلیارد تومان رسید که نسبت به سال آغاز روی کار آمدن دولت روحانی، ۷/۵۵ هزار میلیارد تومان افزایش داشته است. این در حالی است که بدهی کل بدهکاران به بانک‌ها ۹۰ هزار میلیارد تومان است. در نتیجه همین از هم گسیختگی سیستم بانکی و مالی است که تعدادی از موسسات مالی و اعتباری، اعلام ورشکستگی کردند و پی‌آمد آن نیز تظاهرات سپرده‌گذاران در تعدادی از شهرها بود.

ادامه و تشدید بحران اقتصادی، شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان را در دو سالی که گذشت، به منتهای درجه از وخامت رساند و نتایج اجتماعی وخیمی در پی داشت.

عواقب اجتماعی ادامه بحران اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی نولیبرال دولت پاسدار منافع سرمایه‌داران، از جهات مختلف برای توده‌های زحمتکش وحشتناک بوده است.

در نتیجه تشدید بحران اقتصادی و سیاست اقتصادی ضد کارگری رژیم، بیکاری و فقر وسیعاً گسترش یافته و شرایط زندگی توده‌های زحمتکش به حد غیرقابل‌تحملی وخیم شده است. مرکز آمار ادعا می‌کند که با افزوده شدن بیش از نیم میلیون به آمار بیکاران در طول دو سال گذشته، تعداد بیکاران در ایران به رقمی بیش از ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار رسیده است. این ادعا چنان کذب و مسخره است که حتی برخی از ارگان‌ها و نهادها و عناصر وابسته به رژیم، این جلیلیات را باور ندارند. یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، رقم بیکاران را ۷ میلیون اعلام کرد. اما این نیز تمام واقعیت نیست. کافی است به آمارهای مرکز آمار توجه شود که از جمعیت ۸۰ میلیونی کشور حتی بر طبق معیارهای این موسسه، از جمله کسی که ۱ ساعت در هفته کارکرده باشد و نیز سربازان هم شغال محسوب می‌شوند، تعداد شاغلین، بر طبق آخرین گزارش رئیس مرکز آمار، ۲۲ میلیون و ۷۰۰ هزار اعلام شد. یعنی از میان ۵۷ میلیون باقیمانده جمعیت، فقط ۳ میلیون بیکار اعلام شده است. ۵۴ میلیون از جمعیت ایران بر طبق آمارهای دولتی، نه شاغل‌اند و نه بیکار!

در حقیقت اما، تعداد واقعی بیکاران در ایران متجاوز از ۱۰ میلیون است که در بدترین شرایط معیشتی، در گرسنگی زندگی خود را سپری می‌کنند. رژیم هیچ برنامه مشخصی برای مقابله با رشد روزافزون بیکاری ندارد. طرح موسوم به کارآفرینی و اشتغال برای جوانان نیز که در بهمن ماه سال گذشته تصویب شد و گویا قرار است سالانه برای ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تن از دانش‌آموختگان دانشگاهی کار ایجاد کند، هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد. این طرح که نسخه به روز شده‌ای از طرح استاد-شاگردی دوره احمدی نژاد است، در شرایطی که بحران و رکود اقتصادی حاکم است، فقط وسیله است برای بیکاری کشیدن از جوانان و اخراج کارگرانی که هم اکنون شاغل‌اند. چرا که کارآموز باید در یک دوره ۴ تا ۶ ماه، مفت و مجانی برای سرمایه‌دار کار کند، آنچه که او دریافت می‌کند، یک سوم حداقل دستمزد است که آن را دولت می‌پردازد. بعد هم، این کارآموزان جای خود را به گروه دیگری می‌دهند و به فرض هم که تعدادی از آنها استخدام شوند، با حداقل دستمزد و مزایا، جای کارگران شاغل را میگیرند که اخراج می‌شوند. بنابراین، طرح "کاج" نه طرحی برای کاهش بیکاری، بلکه بالعکس افزایش بیکاری و تباهی زندگی میلیون‌ها انسان است.

علاوه بر بیکاری و فقر و گرسنگی ناشی از آن، به علت افزایش روزافزون بهای کالاهای مورد نیاز کارگران، قدرت خرید و سطح معیشت کارگران حتی نسبت به دو سال گذشته شدیداً تنزل یافته و فقیرتر شده‌اند. در طول دو سال گذشته، بهای کالاهای مورد نیاز روزمره کارگران گاه دو برابر شده است. بهرغم آمارهای کذابی دولت در مورد کاهش نرخ تورم، تاجانی که پای ضروری‌ترین مایحتاج توده مردم در میان است، بهای این کالاهای مدام افزایش یافته است. بر طبق گزارش خبرگزاری دولتی مهر، قیمت گوشت قرمز گوسفندی از اواخر شهریورماه سال ۹۴ تا اسفند ۹۵ با حدود ۴۵ درصد افزایش به ۳۹ هزار تومان در هر کیلوگرم رسیده است. در همین

واقعیت را نیز آشکار می‌سازد که جز تشدید این تضادها و بحران‌ها، چشم‌اندازی وجود ندارد. باین‌همه، درحالی‌که طبقه کارگر هنوز نتوانسته با بدیل سوسیالیستی خود برای حل قطعی این بحران‌ها اقدام کند و بورژوازی نیز راهحلی برای این بحران‌ها ندارد، آنچه رخ می‌دهد، انحطاط و واپس‌گرایی است که هم اکنون با آن مواجهیم. راه نجاتی از این بن بست و انحطاط، از فجایی که نظام سرمایه‌داری به بار آورده، جز سوسیالیسم وجود ندارد.

رفقا!

تحولات دو سال گذشته، نه فقط صحت ارزیابی کنفرانس پانزدهم سازمان را از تحولات اوضاع سیاسی جهان، بلکه به‌ویژه از تحول اوضاع در ایران نیز به‌وضوح نشان داده است. اوضاع سیاسی کنونی ایران آشکارا گویای این واقعیت است که تضادهای جامعه ایران به‌شدت حاد شده، بحران‌های موجود، به نحو علاج ناپذیری عمیق‌تر شده‌اند. جمهوری اسلامی و ورشکستگی خود را بیش از هر زمان برملا کرده و مبارزات کارگران و زحمتکشان دامنه وسیع‌تری به خود گرفته است.

تمام وعده‌های حسن روحانی، در دوره اول ریاست جمهوری اش، برای بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی در پی برجام و رفع تحریم‌ها، توخالی از کار درآمد. نه فقط بحران اقتصادی لاینحل باقی ماند و کمترین بهبودی در وضعیت مادی و معیشتی توده‌ها رخ نداد، بلکه اوضاع پیوسته وخیم‌تر شد.

بحران اقتصادی سرمایه‌داری ایران، همچنان لاینحل مانده است. مرکز آمار ایران، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را در سال ۹۴، ۹ درصد اعلام نمود. بانک مرکزی، رشد اقتصادی نیمه اول سال ۹۵ را بدون نفت، تنها ۹ / ۰ درصد اعلام کرده است. نرخ رشد اصلی‌ترین بخش‌های اقتصاد که بازتابی از چگونگی اوضاع اقتصادی است، نظیر بخش ساختمان ۱۳- درصد، معدن ۳ / ۷- درصد و صنایع و معادن ۹ / ۰- درصد ذکر شده است. باین‌همه بدون این‌که در فاصله ۳ ماه پس از اعلام آمار بانک مرکزی، اتفاق خاصی رخ دهد، کابینه روحانی با جعل آمار مدعی رشد اقتصادی در ۹ ماهه سال ۹۵، ۵ درصد بدون نفت و ۷ درصد با نفت بوده است. اما جعلی بودن این آمار به‌خوبی از این واقعیت آشکار است که تعداد بسیار بزرگی از واحدهای تولیدی یا تعطیل‌اند یا پائین تر از نیمی از ظرفیت خود تولید می‌کنند و هفته‌ای نمی‌گذرد که خبری از تعطیل یک واحد تولیدی انتشار نیابد.

وزیر صنعت، معدن و تجارت اعتراف می‌کند که: در مجموع ۷ هزار واحد متوقف در شهرک‌های صنعتی کشور وجود دارد. علاوه بر این، در حالی از بهبود سخن می‌گویند، که بر طبق آمار رسمی خودشان، نرخ بیکاری که در سال ۹۳، ۶ / ۱۰ درصد اعلام شده بود در سال ۹۵ به ۷ / ۱۲ درصد افزایش یافت. در درون جناح‌ها و نهادهای رژیم بر سر آمار ارائه شده، اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. برخی آشکارا از ساختگی بودن آمار سخن می‌گویند. معهدا مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حداکثر رشد اقتصادی بدون نفت برای سال ۹۵ را ۲ درصد پیش‌بینی کرده است.

آنچه در این دو سال رخ داد، نه بهبود اوضاع اقتصادی و لاقابل‌تعدیل بحران، بلکه افزایش درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت بود. میلیاردها دلار از دارائی‌های بلوکه‌شده نیز آزاد شد و رژیم توانست با افزایش فروش نفت و مشتقات آن، درآمدهای خود را افزایش دهد. اما این درآمدها اساساً صرف هزینه‌های دستگاه دولتی، اهداف توسعه‌طلبانه رژیم در کشورهای دیگر، خریدهای دولتی و بخشا بدهی‌های کلان دولت گردید. باین‌همه حتی بحران مالی دولت حل نشد، تا چه رسد به این‌که درآمدهای نفتی محرکی برای افزایش تولید باشد. انتظار دولت برای سرمایه‌گذاری کلان انحصارات بین‌المللی نیز به دلایل داخلی و خارج تحقق نیافت و در محدوده‌ای که صورت گرفت تأثیر چندانی بر بحران و اشتغال نداشت.

کاهش حجم تولید ناخالص در دوره نخست زمامداری روحانی فاکتور دیگری بر وخامت اوضاع اقتصادی است. برطبق گزارش بانک جهانی، حجم تولید ناخالص داخلی که در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۲۱ / ۵۸۷ میلیارد دلار بود، در سال ۲۰۱۶ به ۴۷ / ۳۳۷ میلیارد دلار کاهش یافت.

ادامه و تشدید بحران اقتصادی از این واقعیت نیز آشکار است که بازار فروش سهام در طول دو سال گذشته همواره با نوسانات شدید و فروریختن بهای سهام همراه بوده است.

به‌رغم افزایش درآمدهای نفتی، معضلات مالی دولت نیز همچنان پابرجاست. بدهی دولت به بخش خصوصی رقمی حدود ۷۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است. به گفته وزیر اقتصاد، بدهی دولت و شرکت‌های دولتی در حدود ۶۰۰

## گزارش سیاسی کمیته اجرایی سازمان به کنفرانس شانزدهم

حال، طبق گزارش‌های رسمی بانک مرکزی، قیمت بسیاری از کالاهای اساسی طی یک سال گذشته با افزایش قابل‌توجهی روبرو بوده است، به‌طوری‌که در مدت مذکور قیمت برنج ۵ / ۳۱ درصد، حبوبات ۹ / ۱۹ درصد، میوه‌های تازه ۸ / ۲۶ درصد، سبزی‌های تازه ۴ / ۲۷ درصد، گوشت مرغ ۱ / ۲۵ درصد، قند و شکر ۳ / ۲۳ درصد، چای ۲ / ۱۳ درصد و روغن نباتی ۴ / ۸ درصد افزایش داشته است.

در نتیجه بحران و سیاست‌های ارتجاعی دولت، نه‌فقط اکثریت بسیار بزرگ کارگران، بلکه معلمان، پرستاران، و گروه‌هایی از کارمندان بخش دولتی و خصوصی و افسار دیگری از توده‌های زحمتکش نیز زیر خط فقر قرار دارند. در حالی‌که حداقل دستمزد کارگران در طول دو سال گذشته کمتر از یک میلیون تومان در ماه بوده است، خط فقر چهار میلیون تومان در هر ماه اعلام شده است. حتی کارگزاران دولتی که حداقل دستمزد را تعیین می‌کنند، سید معیشت یک خانوار ۵ / ۳ نفره ۵۱ / ۲ میلیون تومان در ماه اعلام کردند. باین‌وجود چنانکه همگان آگافند، حداقل دستمزد کارگران در سال جاری ۹۳۰ هزار تومان تعیین شد که نشان‌دهنده اختلاف فاحش حداقل دستمزد با خط فقر و تأمین حداقل وسایل معیشت یک خانوار کارگری است. این بدان معناست که کارگران باز هم در سال ۹۶ فقیرتر شده و تعداد فقرا افزایش یافته است.

رئیس کمیته امداد در اسفندماه ۹۵، در برنامه‌های تلویزیونی اعلام کرد، اگر حداقل حقوق امسال را ۸۱۲ هزار تومان در نظر بگیریم، می‌توان گفت بر اساس آن ۱۱ میلیون تن از جمعیت کشور زیر خط فقر هستند.

او تعداد مددجویان تحت پوشش کمیته امداد را یک میلیون و ششصد هزار خانوار مستمری‌بگیر اعلام کرد و افزود: حدود ۴۰۰ هزار خانوار نیز به‌طور موردی از خدمات این نهاد حمایتی بهره‌مند می‌شوند. او تعداد مددجویان را ۴ میلیون تن برآورد کرد.

رئیس کمیته امداد در حالی‌که وعده افزایش مستمری این مستمری‌بگیران را در سال جاری می‌داد، گفت: که این رقم «از ۵۳ هزار تومان برای تک نفر آغاز و تا ۱۰۰ هزار تومان برای خانواده‌های پنج نفره است».

اما معاون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، پیش از وی در جلسه ستاد ملی ساماندهی امور جوانان گفته بود که ۳۰ درصد از مردم ایران گرسنه‌اند. وی گفت: بیش از ۲۵ میلیون تن از ایرانیان «نان برای خوردن» ندارند. باید اوضاع معیشتی توده‌های زحمتکش مردم آن‌قدر وخیم باشد که معاون وزیر اعتراف کند، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، یک‌سوم جمعیت، نان برای خوردن ندارند.

آمارهای رسمی همچنین از ۱۲ میلیون حاشیه‌نشین، سه الی چهار میلیون معتاد، ۶ / ۲ میلیون زن سرپرست خانوار نیازمند به حمایت مستقیم خبر می‌دهند. هر سال ۶۰۰ هزار نفر عازم زندان‌ها می‌شوند که خانواده‌های آن‌ها گرسنه به حال خود رها می‌شوند. ۶۰ درصد تعداد زندانی‌های موجود در کشور مستقیم و غیرمستقیم با اعتیاد مواد مخدر در ارتباط هستند. عامل ۵۰ درصد طلاق‌ها، اعتیاد است و ۴۶ درصد سرقت‌ها نیز به خاطر فقر و اعتیاد انجام می‌گیرد.

یکی از مراکز وابسته به دانشگاه علوم پزشکی، تعداد تن‌فروشان را فقط در تهران حداقل ده‌هزار نفر اعلام کرده است. کارتن‌خوابی و گور خوابی، پدیده‌هایی در حال گسترش‌اند. کودک فروشی و فروش اعضای بدن، به پدیده‌های رایج و متداول تبدیل شده‌اند. افزایش خودکشی، زورگیری، تجاوز، سرقت و قتل به پدیده‌های عادی تبدیل شده‌اند. ده‌ها مورد دیگر نیز از این نمونه‌ها وجود دارد که همگی نشان‌دهنده ابعاد وخیم عواقب اجتماعی بحران اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی فوق ارتجاعی طبقه سرمایه‌دار حاکم و رژیم سیاسی پاسدار نظم موجود در ایران‌اند.

سیر قهقرائی اوضاع اقتصادی و تنزل سطح معیشت و رفاه توده‌های زحمتکش مردم، از این واقعیت نیز آشکار است که پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از استقرار جمهوری اسلامی، نیلی مشاور ارشد روحانی اعتراف می‌کند که "درآمد سرانه ما در حال حاضر ۷۰ درصد درآمد سرانه سال ۱۳۵۵ است."

ارمغان جمهوری اسلامی تنها بحران‌های علاج‌ناپذیر اقتصادی و عواقب اجتماعی فاجعه‌بار آن‌ها برای توده‌های کارگر و زحمتکش نبوده، بلکه فساد و گندیدگی درونی آن به مرحله‌ای رسیده که روزمره گزارش‌های تریلیونی از فساد و دزدی مقامات دولتی انتشار می‌یابد. مقامات و مدیران دولتی هریک بنا به موقعیت خود امکانات دولتی را در خدمت ثروت اندوزی خود قرار

داده‌اند. حقوق‌ها و مزایای ده‌ها میلیونی، کوچک‌ترین سوءاستفاده‌های آن‌هاست. دزدی‌ها، سوءاستفاده‌ها و رشوه‌گیری آن‌ها، ابعاد میلیاردری به خود گرفته است. بنابراین، درحالی‌که اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران در این دو سال، فقیر و فقیرتر شدند، سرمایه‌داران و ثروتمندان، سران و مقامات دولتی با تشدید استثمار کارگران، چپاول، غارت و دزدی روزبه‌روز بر حجم سرمایه و ثروت‌های افسانه‌ای خود افزوده‌اند. نحوه زندگی ثروتمندان ایرانی، کاخ‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، امکانات تفریحی، عیاشی و خوش‌گذرانی که برای خود تدارک دیده‌اند، حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری اروپایی هم نمی‌توان نظیر آن را دید. فقط در کشوری با یک رژیم استبدادی فوق ارتجاعی، مملکتی به‌کلی بی‌حساب‌و‌کتاب و در یک سرمایه‌داری افسارگسیخته می‌توان چنین غارت و ثروت‌اندوزی و زندگی افسانه‌ای را دید. در تمام دوران حاکمیت سرمایه‌داری در ایران، هیچ‌گاه شکاف فقر و ثروت همچون امروز عمیق و عریان نبوده است.

تنها در عرصه داخلی نیست که رژیم با بحران‌های متعدد، شکست و بن‌بست مواجه شده است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز وضعیت مشابهی دارد. ظاهراً آن‌گونه که روحانی وعده می‌داد، قرار بود در پی برجام، تنش‌های جمهوری اسلامی با دولت‌های دیگر برطرف گردد، مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی بهبود یابد و بحران‌های رژیم در عرصه بین‌المللی خاتمه یابد. در واقعیت آنچه رخ داد، تنها در محدوده‌ای مناسبات جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپا بهبود یافت که از مدتها پیش برای به دست آوردن سهم بیشتری از بازار ایران تلاش می‌کرد. اما در کل، مناسبات جمهوری اسلامی به‌ویژه با دولت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای نهنتها بهبود نیافت، بلکه وخیم‌تر شد و با به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا، رابطه با آمریکا نیز وخیم‌تر از گذشته شد. دلیل آن‌هم در این بود که جمهوری اسلامی برای نجات خود از محاصره تحریم‌های بین‌المللی، بر سر نزاع هسته‌ای عقب‌نشینی کرد، بدون این‌که در بنیاد سیاست توسعه‌طلبانه خارجی خود و تلاش برای کسب هژمونی در منطقه خاورمیانه از طریق برافروختن جنگ و نزاع فرقه‌ای شیعه و سنی، تغییری پدید آورد. بر سر دخالت‌های نظامی و سیاسی در سوریه، عراق و یمن وارد درگیری‌های خصمانه با تمام رژیم‌های عربی منطقه و حتی ترکیه شد. تا جایی که در واقعیت، یک بلوک از دولت‌های عربی منطقه، ترکیه و اسرائیل که از حمایت امپریالیسم آمریکا و انگلیس برخوردارند، رودرروی جمهوری اسلامی قرار گرفت. جمهوری اسلامی به‌رغم این‌که برای مقابله با این اوضاع، خود را زیر چتر امپریالیسم روس قرارداد، اما وضعیتش روزبه‌روز وخیم‌تر شده است. سال‌ها، میلیاردها دلار حاصل دسترنج کارگران ایران را صرف جنگ و هزینه‌های رژیم ورشکسته سوریه کرد، در کشتار مردم سوریه مشارکت کرد و حتی صدها تن از مزدوران بسیجی و سپاهی در سوریه کشته شدند تا بتواند این کشور را در منطقه نفوذ خود نگه دارد، اما نهنتها این هدف محقق نشد، بلکه با دخالت مستقیم روسیه و اخیراً آمریکا، چنین به نظر می‌رسد که ابتکار عمل حلف‌وفصل درگیری‌های سوریه به دست روسیه، آمریکا و ترکیه افتاده است.

در بحرین گروه‌های اسلام‌گرای طرفدار جمهوری اسلامی سرکوب شده‌اند. در یمن نیز به ویژه با توافقات اخیر آمریکا و عربستان سعودی، چشم‌اندازی برای پیروزی انصارالله نیست. بنابراین در منطقه نیز سیاست‌های توسعه‌طلبانه و هژمونی‌طلبانه پان‌اسلامی رژیم با شکست مواجه شده‌اند. مجموعه شکست‌ها، بن‌بست‌ها و بحران‌های رژیم البته تأثیر خود را بر اختلافات جناح‌ها و گروه‌های درونی رژیم نیز برجای گذاشته و تضادهای آن‌ها را تشدید کرده است. روحانی در دو سال گذشته زیر شدیدترین فشارهای جناح رقیب قرار داشت. اکنون دیگر این تضادها به دو جناح محدود نیست. بلکه جناح موسوم به اصول‌گرا در درون خود با تشننت‌های جدی روبه‌روست و گروهی به دارودسته روحانی پیوسته‌اند. هرچه بحران‌ها عمیق‌تر و ناراضیانی و اعتراض توده‌ای وسیع‌تر شده، این تضادها و شکاف‌ها نیز عمیق‌تر شده است.

در یک چنین شرایطی از تشدید تضادها و بحران‌هایی که رژیم در عرصه‌های مختلف با آن‌ها مواجه بوده است، در شرایطی که شکاف عمیق فقر و ثروت در جامعه به نهایت خود رسیده است، مبارزه طبقاتی تشدید شده و هر آن امکان انفجار خشم و اعتراض توده‌ای وجود دارد، رژیم که هیچ رامحلی برای تخفیف و تعدیل تضادها و بحران‌ها ندارد، به تنها حربه بازدارنده، تشدید استبداد، اختناق، سرکوب و کشتار روی آورده است.

در یک چنین شرایطی از تشدید تضادها و بحران‌هایی که رژیم در عرصه‌های مختلف با آن‌ها مواجه بوده است، در شرایطی که شکاف عمیق فقر و ثروت در جامعه به نهایت خود رسیده است، مبارزه طبقاتی تشدید شده و هر آن امکان انفجار خشم و اعتراض توده‌ای وجود دارد، رژیم که هیچ رامحلی برای تخفیف و تعدیل تضادها و بحران‌ها ندارد، به تنها حربه بازدارنده، تشدید استبداد، اختناق، سرکوب و کشتار روی آورده است.

در یک چنین شرایطی از تشدید تضادها و بحران‌هایی که رژیم در عرصه‌های مختلف با آن‌ها مواجه بوده است، در شرایطی که شکاف عمیق فقر و ثروت در جامعه به نهایت خود رسیده است، مبارزه طبقاتی تشدید شده و هر آن امکان انفجار خشم و اعتراض توده‌ای وجود دارد، رژیم که هیچ رامحلی برای تخفیف و تعدیل تضادها و بحران‌ها ندارد، به تنها حربه بازدارنده، تشدید استبداد، اختناق، سرکوب و کشتار روی آورده است.

در یک چنین شرایطی از تشدید تضادها و بحران‌هایی که رژیم در عرصه‌های مختلف با آن‌ها مواجه بوده است، در شرایطی که شکاف عمیق فقر و ثروت در جامعه به نهایت خود رسیده است، مبارزه طبقاتی تشدید شده و هر آن امکان انفجار خشم و اعتراض توده‌ای وجود دارد، رژیم که هیچ رامحلی برای تخفیف و تعدیل تضادها و بحران‌ها ندارد، به تنها حربه بازدارنده، تشدید استبداد، اختناق، سرکوب و کشتار روی آورده است.

## گزارش سیاسی کمیته اجرایی سازمان به کنفرانس شانزدهم

کارگرانی را که برای تحقق حتی ساده‌ترین مطالبات خود، به اعتراض برخاسته‌اند، دستگیر و به حبس و شلاق و اخراج محکوم کرده است.

در آبان ماه سال ۹۴، دادگستری کل خوزستان با صدور بخشنامه‌ای هرگونه تجمع و اعتصاب و حرکت اعتراضی کارگران شاغل در پتروشیمی‌های منطقه ویژه بندر امام را ممنوع اعلام کرد. به کارگران هشدار داد چنانچه دست به اعتراض و تجمع و اعتصاب بزنند، با آنان برخورد قضایی خواهد شد. برای نخستین بار بود که دستگاه قضائی رسماً به کارگران اولتیماتوم می‌داد. روند سرکوب کارگران تشدید شد.

با آغاز سال ۹۵ موج دستگیری و محاکمه کارگران تشدید شد. در ۱۶ فروردین، در پی اعتصاب کارگران مس میدوک، ۱۲ کارگر، بازداشت و محاکمه شدند.

۱۷ کارگر مبارز معدن طلای آق دره، در اردیبهشت‌ماه ۹۵ هر یک به ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه شلاق و مجازات نقدی محکوم شدند که این حکم ارتجاعی و قرون وسطایی به اجرا گذاشته شد.

در جریان اعتراضات کارگران صنایع چوب و کاغذ (چوکا) با شکایت کارفرما، ۱۳ کارگر به دادگستری رضوان‌شهر احضار و ۵ کارگر اخراج شدند. در پتروشیمی رازی ۱۰ تن از کارگران بازداشت و به زندان افتادند. در پارس‌خودرو ۳ کارگر بازداشت و اخراج شدند، در پلی‌اکریل ۷ کارگر بازداشت و زندانی شدند که با قید کفالت آزاد شدند. در اهواز ۲۱ کارگر شهرداری در تاریخ ۲۵ خرداد، در پی حمله پلیس به تجمع کارگران بازداشت و پس از ۵ روز حبس با سپردن وثیقه به‌طور موقت آزاد شدند.

احضار و بازجویی مکرر و بازداشت تعدادی از کارگران پیمانکاری منطقه بندر امام توسط دستگاه قضائی، به تجمع اعتراضی روز ۱۴ شهریور گروهی از کارگران در مقابل ساختمان دادگستری این منطقه انجامید. کارگران بازداشت‌شده با قرار کفالت همکاران خود به‌صورت موقت آزاد شدند. آخرین نمونه آن تا برگزاری کنفرانس سازمان، بازداشت و پرونده سازی برای بیش از ۵۰ تن از کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه است که با سپردن وثیقه‌های چند میلیونی فعلاً آزاد شده‌اند.

این بازداشت‌ها و محاکمه کارگران در طول تمام این دو سال ادامه داشت و صدها کارگر به جرم ایجاد اغتشاش از کار اخراج شدند. در این فاصله تعدادی از فعالین کارگری نیز بازداشت و به حبس محکوم شدند.

گرچه رژیم استبدادی در طول این دو سال بیشترین سرکوب را علیه کارگران اعمال نمود، اما این سرکوبگری به کارگران محدود نشد. ارگان‌های سرکوب رژیم، تعدادی از معلمان را نیز دستگیر و به حبس و تبعید محکوم کردند. اسماعیل عیدی به جرم دفاع از حقوق معلمان و پیگیری مطالبات صنفی آنها به شش سال حبس محکوم شد. گروهی از روزنامه‌نگاران و فعالان شبکه‌های اجتماعی و طرفداران حقوق بشر، زنان، اقلیت‌های ملی و مذهبی نیز به حبس محکوم شدند. ده‌ها تن از مخالفین سیاسی در طول دو سال اخیر اعدام شده‌اند. رژیمی که قادر به حل هیچ‌یک از معضلات اجتماعی که خود به بار آورده، نیست و شکنجه، کشتار و زندان را تنها راه حل خود می‌داند، بر ابعاد اعدام زندانیان عادی نیز افزود. فقط در طول یک سال، صدها تن از مردم ایران را به بهانه‌های مختلف اعدام کرد و مقام نخست جهانی را کسب نمود. بر طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل، ایران در سال ۲۰۱۶ به‌تنهایی حداقل ۵۶۷ نفر را اعدام کرده که معادل ۶۶ درصد از کل اعدام‌های تأیید شده در منطقه است. این رژیم ارتجاعی و سرکوبگر که

هر لحظه در هراس از سرنگونی به‌سر می‌برد، مدام ارگان‌های سرکوب پلیسی، نظامی، امنیتی خود را تقویت کرده است. در حالی که توده‌های زحمتکش با فقر و گرسنگی دست‌به‌گریبان‌اند، در همین بودجه سال جاری بیشترین افزایش به نیروهای مسلح و سرکوب اختصاص یافته که به‌یکباره بودجه آنها ۱۲۸ درصد افزایش یافت.

با این همه، تمام شواهد موجود نشان می‌دهد که با تشدید اختناق، سرکوب و کشتار هم نتوانست جلوی رشد و گسترش اعتراضات را بگیرد. در طول دو سال گذشته توأم با رشد تضادها و وخیم‌تر شدن شرایط مادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان، مبارزات طبقه کارگر، از رشد و ارتقاء کمی و کیفی برخوردار شده است. صدها مورد اعتصابات، راهپیمایی‌ها، تظاهرات و تجمعات اعتراضی کارگران که صدها هزار کارگر در آنها مشارکت داشتند، در تاریخ جنبش کارگری ایران بی‌سابقه است.

شاخصه‌های رشد جنبش کارگری تنها در مشارکت صدها هزار کارگر در اشکال بسیار متنوعی از مبارزات و اعتلای روحیه مبارزاتی، انعکاس

نیافته، بلکه آنچه به‌ویژه برجسته‌تر شده است، رشد آگاهی و همبستگی در صفوف کارگران بوده است.

رشد و اعتلای جنبش طبقاتی کارگران ایران پس از کنفرانس ۱۵، به‌تفصیل در مقالات نشریه کار به ویژه، شماره‌های ۷۱۴ و ۷۳۸ مورد بررسی قرار گرفته است که اشاره کوتاهی به فاکتورهای آن‌ها، ابعاد پیشرفت جنبش کارگری را نشان می‌دهد.

مبارزات کارگران به نحو روزافزونی از سطح مبارزات منفرد در سطح یک کارخانه تولیدی و موسسه خدماتی فراتر رفته و به سطح مبارزه فراکارخانه‌ای و رشته‌ای ارتقاء یافته است.

اعتصاب متحد، هم‌زمان و هم‌آهنگ ۲۰۰۰ کارگر تمام معادن زغال‌سنگ کوهبنان کرمان و توأم با آن اعتصابات و تجمعات کارگران معدن البرز شرقی (واقع در منطقه طزره استان سمنان) دو معدن در استان گلستان، یک نمونه برجسته بود. در مجموع در روزهای ۱۲ و ۱۳ دی‌ماه ۹۴ در ۹ معدن زغال‌سنگ واقع در سه استان کشور، اعتصاب هم‌زمان و هماهنگ چندین هزار کارگر، شکل گرفت.

در مهرماه، صدها تن از اپراتورهای پست‌های فشارقوی برق، که به نمایندگی از پنج‌هزار تن از همکاران خود، از استان‌ها و شهرهای مختلف از سراسر کشور به تهران آمده بودند، برای دومین روز متوالی در مقابل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دست به تجمع اعتراضی زدند و بار دیگر خواستار تبدیل وضعیت استخدامی خود از قراردادی به دائمی شدند.

کارگران مجتمع‌های پتروشیمی منطقه ماهشهر و عسلویه، زیرمجموعه هلدینگ خلیج‌فارس، که در مهر و آذر ۹۴ در سه نوبت اعتصابات فرا کارخانه‌ای را سازمان دادند و با اقدام اعتراضی و هماهنگ ۶۰۰۰ کارگر پتروشیمی تقریباً تمام منطقه ماهشهر و عسلویه را در اعتصاب فروبردند، نمونه دیگری بود. در دی‌ماه نیز اعتراضات و تجمعات کارگران پتروشیمی ادامه یافت. در حالی که ۳۵ تن از کارگران به نمایندگی از ۶۰۰۰ کارگر این واحدها، مطالبات کارگران را پیگیری می‌کردند روزهای ۱۲ و ۱۳ دی‌ماه

۹۴ نیز مجموعاً بیش از هزار تن از کارگران پتروشیمی در مقابل فرمانداری ماهشهر و اداره کار منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی دست به تجمع زدند و هم‌زمان با اعتصابات و تجمعات کارگران پتروشیمی منطقه ماهشهر، گروهی از کارگران پتروشیمی اصفهان نیز در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت استخدامی خود در مقابل استانداری این شهر دست به تجمع زدند. در ادامه این اعتراضات، ۳۰۰ تن از کارگران به نمایندگی از هزاران کارگر پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و عسلویه، اراک، اصفهان و تبریز در مقابل وزارت نفت تجمع اعتراضی برپا کردند. این اقدام مشترک کارگران گام‌های نخستین، برای شکل دادن به یک تشکل سراسری است.

همچنین در تاریخ دهم آبان ماه، بیش از هزار تن از کارگران و کارکنان شرکتی مخایرات از شهرها و استان‌های مختلف کشور راهی تهران شدند و در مقابل مجلس تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران با طرح مهم‌ترین خواست‌های خود، قرارداد مستقیم با مخایرات و حذف پیمانکاران واسط، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و تأمین امنیت شغلی، خواستار رسیدگی به آن‌ها شدند.

در مجموع حدود ۳۰ هزار تن از کارگران در سال ۹۴ در اعتراضات رشته‌ای شرکت داشتند. مقاومت کارگران در برابر اخراج و اعتراض و مبارزه برای بازگشت کارگران اخراجی یکی دیگری از شاخصه‌های رشد جنبش کارگری در این دو سال بود.

یکی از مطالبات اعتصاب کارگران مجتمع آلومینیوم مهدی هرمز آل در استان هرمزگان، با ۲۴۰۰ کارگر که چندین روز به طول انجامید، توقف اخراج‌ها و بازگرداندن کارگران اخراجی بود.

۵۰۰ کارگر اخراجی نساجی بروجرد در ۲۲ فروردین با شکستن در و پنجره وارد کارخانه شدند، ماشین‌آلات را خاموش و تولید را متوقف کردند. آن‌ها به این وسیله نسبت به اخراج خود اعتراض نموده و خواهان بازگشت بکار شدند. در نمونه دیگر حدود ۲۰ نفر از کارگران سابق شرکت غدیر به نمایندگی از ۱۰۰ کارگر اخراجی با حضور در کارخانه، ضمن قطع برق و بستن درب ورودی کارخانه به مدت ۲ ساعت، مانع فعالیت کارخانه شدند. نمونه بعدی مربوط به کارخانه چوکا است. کارگران بعد از چند نوبت تجمع و اعتراض و گفتگو با مدیریت و بی‌نتیجه ماندن آن، مدیرعامل را با تخم‌مرغ

## گزارش سیاسی کمیته اجرائی سازمان به کنفرانس شانزدهم

موردحمله قرار می‌دهند و سپس او را از دفتر کارش بیرون کشیدند و از شرکت بیرون انداختند. کارگران پلی‌اکریل پس از چندین بار اعتراض و ملاقات با مدیریت و بی‌نتیجه بودن آن، مدیرعامل شرکت را از شرکت بیرون انداختند. کارگران نیشکر هفت تپه در مردادماه سال ۹۶ برق و تلفن را قطع کردند و جاده را مسدود کردند. ده‌ها نمونه دیگر از اعتراض و مقاومت در برابر اخراج و برای بازگشت به کار در این دوره وجود داشت. اعتصابات و اعتراضات پی‌درپی و طولانی‌مدت، یکی دیگر از شاخصه‌های مهم جنبش کارگری در این دو سال بود.

اعتراضات طولانی‌مدت و برجسته کارگری نیز نسبت به دوره قبل بیشتر شد. در کشت و صنعت هفت‌تپه از همان روزهای نخستین سال ۹۵ تا پایان سال هرماه به‌طور متوسط دو اعتصاب و اعتراض رخ داد که برخی از این اعتصابات که همه کارگران در آن شرکت داشتند از ۴ تا ۱۱ روز به طول انجامید. در اعتصاب ۱۱ بهمن، حدود ۳۰۰۰ تن از کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه شرکت داشتند. کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۹۶ نیز چندین اعتصاب و تجمع اعتراضی برپا کردند. در اردیبهشت ماه ۶۰۰ تن از کارگران در اعتراض به نصب دوربین‌های مداربسته دست از کارکشیدند. در اوایل مرداد ماه نیز صدها تن از کارگران به مدت چند روز، دست از کار کشیدند و به همراه خانواده‌های خود در اعتراض به پرداخت نشدن چند ماه دستمزد، به راهپیمایی و تظاهرات متوسل شدند و جاده شوش - اهواز و اندیمشک - اهواز را بستند. در جریان این اعتراضات، تعدادی از کارگران بازداشت شدند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه نیز چند تجمع اعتراضی را سازمان داد. تجمع اعتراضی نسبتاً بزرگ دوازدهم مرداد در مقابل شهرداری و شورای شهر تهران. در این تجمع اعتراضی حداقل ۴۰۰ تن از کارگران شرکت واحد و اعضای خانواده آن‌ها آن شرکت داشتند، در تجمع ۲۵ آبان مقابل مجلس، سندیکای کارگران شرکت واحد پیش‌تاز مبارزه علیه لایحه‌ای بود که وزیر کار برای تغییر قانون کار به زیان کارگران، تحویل مجلس داده بود. و بالأخره باید به تجمع ۱۴ آذر اشاره کرد که با یورش وحشیانه مزدوران سرکوبگر به صفوف کارگران همراه شد.

کارگران کشت و صنعت مهاباد بیش از ۵۰ روز به‌طور شبانه‌روزی در محوطه این شرکت و بیرون آن با برپایی چادر، اعتراضات مستمری را سازمان دادند. در بسیاری دیگر از کارخانه‌ها و مراکز کارگری نیز اعتصابات و اعتراضات کارگری حتی تا ۳۰ روز به درازا کشید. از این نمونه است کمپرسورسازی تبریز (۸ روز) پتروشیمی پردیس (۹ روز) بلبرینگ سازی تبریز (۹ روز) مخابرات راه دور (۱۶ روز)، گروه ملی صنعتی فولاد (۱۹ روز) کمپرسور سازی (۲۱ روز) ماشین‌سازی تبریز (۲۳ روز)

کارگران گروه ملی فولاد اهواز، که تعداد آنها حدود چهار هزار نفر است، در ادامه مبارزات خود، به ویژه از اواخر تیرماه سال ۹۶ پیکرشته اعتصابات، تجمعات، راهپیمایی و تظاهرات را در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدها به مدت ۵ ماه، سازمان دادند. این اعتراضات تا اواخر مرداد ماه، همچنان ادامه یافت.

به واکنش و اعتراض شدید معدنکاران آزادشهر نسبت به دیدار حسن روحانی از معدن یورت نیز باید اشاره کرد که در نتیجه نایب‌مندی محیط کار، ۴۳ تن از معدنکاران جان خود را از دست دادند. کارگران خشمگین که می‌دانند باعث اصلی این قتل عام‌ها سرمایه‌داران و دولت پاسدار منافع آنها است، به محض حضور روحانی، به خودروی حامل وی حمله کردند و او را مجبور به فرار کردند.

اما برجسته‌ترین مبارزه کارگری این دوره، مبارزه قهرمانانه ۱۰۰۰ کارگر هپکو در دی و بهمن سال ۹۵ بود که ۳۰ روز ادامه یافت. کارگران در اعتراض به معوق ماندن دستمزد و دیگر مطالبات خود و نیز اعتراض به خصوصی‌سازی، اشکال مختلفی از مبارزه، اعتصاب، اشغال کارخانه، راهپیمایی، تظاهرات، تجمعات اعتراضی، برپایی چادر در خیابان‌ها را به کار گرفتند. باگذشت هرروز این مبارزه رادیکال‌تر شد، تاجانی که با سخنرانی‌های پرشور کارگران و طرح شعارهای "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی"، "به اختلاس کم بشه مشکل ما حل می‌شه"، شکل سیاسی آشکار و مستقیم به خود گرفت.

کارگران و معلمان بازنشسته نیز در طول دو سال گذشته ده‌ها راهپیمایی و تجمع اعتراضی سرا سری را سازمان دادند. جدیدترین اقدام اعتراضی آنها در ۳۱ مرداد ۱۳۹۶ بود که صدها تن در گردهم آیی اعتراضی مقابل مجلس

شرکت کردند.

معلمان هم در این دو سال اعتراضات متعددی داشتند که برجسته‌ترین آن در روز ۱۹ اسفند سال ۹۵ انجام گرفت که بار دیگر ده‌ها هزار تن از معلمان زحمتکش در سراسر ایران، به اعتصاب متوسل شدند و تجمعات اعتراضی برپا کردند. معلمان شاغل و بازنشسته‌ای که در تهران در برابر مجلس تجمع کردند، ضمن طرح مطالبات خود، شعارهای رادیکال سردادند و پلاکاردی با شعار انقلابی "من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه برمی‌خیزند" با خود حمل می‌کردند. خصلت سیاسی مبارزات معلمان نیز در این دوره برجسته‌تر شد.

جنبش‌های عمومی توده‌ای نیز در این دوره به لحاظ کمیت، بر سر مطالبات عمومی و محلی افزایش یافت. در این اعتراضات نیز توده مردم نشان دادند که از سرکوب‌های وحشیانه ارگان‌های سرکوب بیم به خود راه نمی‌دهند، از بازداشت و زندان نمی‌هراسند و اغلب این اعتراضات با شعارهای سیاسی همراه بود.

در این دوره، اعتراض به وضعیت وخیم شرایط زیست‌محیطی و آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها و خشکاندن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها در خدمت اهداف آزمندانه سرمایه‌داران، پخش پارازیت از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی و سرکوب رژیم که به‌طورجدی سلامت زندگی مردم ایران را به‌ویژه در تعدادی از مناطق به مخاطره انداخته است، یکی از عرصه‌های مبارزه توده‌ای علیه رژیم بود. از این نمونه است، تظاهراتی که در شیراز در اعتراض به پخش پارازیت صورت گرفت. در بهمن‌ماه، برجسته‌ترین این اعتراضات در اهواز رخ داد که چندین روز با تظاهرات و گردهم‌آیی هزاران تن از مردم علیه وضعیت اسفبار آلودگی هوا، فقر، بیکاری، نابسامانی برق و آب، ادامه یافت. مردم در این راهپیمایی‌ها و تجمعات، شعارهای مستقیماً سیاسی علیه مقامات و نهادهای دولتی سردادند.

با این تصویر از اوضاع سیاسی در ایران، رشد و اعتلای روزافزون مبارزات طبقه کار و دیگر توده‌های زحمتکش، تغییراتی که در روحیه مبارزاتی توده‌های کارگر و زحمتکش به‌وضوح دیده می‌شود، طرح شعارهای مستقیماً سیاسی در پاره‌ای از راهپیمایی‌ها، تظاهرات و تجمعات اعتراضی، برجسته‌تر شدن خصلت سیاسی مبارزات، بحران‌های متعددی که رژیم با آن‌ها مواجه است، شکست سیاست‌های رژیم در عرصه‌های مختلف، چشم‌انداز تحول اوضاع چیست؟

### رفقا

همان‌گونه که تجربه ۳۸ سال گذشته و از جمله دو سال اخیر به‌وضوح نشان داده است، جمهوری اسلامی نه‌فقط راحلی برای تضادها و بحران‌های جامعه ایران ندارد، بالعکس، همواره این تضادها و بحران‌ها را تشدید کرده است. اساساً موجودیت جمهوری اسلامی خود مانعی حتی برای تخفیف و تعدیل بحران است.

تضادهای شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران به درجه‌ای حادث شده که طبقه حاکم سرمایه‌دار حتی قادر به تخفیف این بحران نیست.

وقتی که جمهوری اسلامی حتی قادر به تعدیل این بحران نیست، روشن است که نمی‌تواند بحثی از ایجاد شغل برای میلیون‌ها بیکار، مقابله با فرورفتن روزافزون توده‌های کارگر و زحمتکش به اعماق فقر و گرسنگی در میان باشد.

جمهوری اسلامی هیچ راحلی برای مقابله با عواقب اجتماعی بحران، فقر، بیکاری، گرسنگی، اعتیاد، تن‌فروشی، تكدی‌گری، کودکان کار و خیابانی، گسترش روزافزون جنایت، کارتن‌خوابی، گور خوابی و ده‌ها فاجعه اجتماعی دیگر نداشته و نخواهد داشت. گذشته از بحران اقتصادی، سیاست‌های ارتجاعی طبقه حاکم که قرار است همچنان ادامه یابد، در جهت تشدید این فجاجع عمل می‌کنند. واقعیت‌های موجود جامعه ایران نشان می‌دهند که توده‌های کارگر و زحمتکش هم‌اکنون در چنان وضعیت وخیم مادی و معیشتی قرار گرفته‌اند که دیگر نمی‌توانند فشاری بیش از این را تحمل کنند.

نظر به این‌که طبقه حاکم نشان داده که راحلی حتی برای تخفیف تضادهای شیوه تولید و غلبه ولو کوتاه‌مدت بر بحران اقتصادی و دیگر بحران‌های موجود ندارد، می‌توان گفت که تضادها بیش‌ازپیش تشدید می‌شوند، مبارزه طبقاتی حادث می‌گردد و در نتیجه جنبش طبقه کارگر اعتلای بیشتری می‌یابد. البته تداوم بحران اقتصادی و سیاست‌های ارتجاعی اقتصادی طبقه حاکم تا



### گزارش سیاسی کمیته اجرایی سازمان به کنفرانس شانزدهم

رژیم در مهار این جنبش افزایش یابد، ضرورتاً تضادهای درونی هیئت حاکمه نیز تشدید خواهد شد. این تشدید تضاد در میان طبقه حاکم و دارو دسته‌های سیاسی حاکم، همان‌گونه که تجارب گذشته نیز نشان داده است، در مرحله‌ای به شکافی عمیق در بالا خواهد انجامید و احتمال وقوع بحران سیاسی فراگیر را افزایش خواهد داد.

در جریان مناظره‌های انتخاباتی رژیم که هریک از کاندیداهای به‌اصطلاح انتخابات، فساد، دزدی و جنایات یکدیگر را برملا کردند، اوج اختلافات دو جناح اصلی به‌عنوان پی آمد بحران‌ها و بن‌بست‌های رژیم آشکار گردید. با پیروزی حسن روحانی بر جناح رقیب، مرحله جدیدی در کشمکش‌ها و تعمیق اختلافات دو جناح فرا خواهد رسید.

چراکه روحانی اکنون تلاش خواهد کرد، بی‌توجه به محدودیت‌هایی که در دور اول زمامداری خود با آن‌ها مواجه بود، در جهت تأمین هرچه بیشتر منافع اقتصادی جناحی که نمایندگی‌اش را بر عهده دارد، اقدام کند. در عین‌حال تلاش خواهد کرد برای پیشبرد سیاست‌های اقتصادی خود، از دامنه تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بکاهد و در سیاست خارجی دست به عقب‌نشینی هائی بزند، که این نیز باسیاست‌های تعرضی جناح رقیب در تضاد خواهد گرفت. بنابراین گرچه جناح رقیب تضعیف‌شده، اما برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود، به‌شدت مقاومت خواهد کرد، تا مانع پیشرفت سیاست‌های جناح روحانی گردد. نتیجه، تشدید تضادها در بالا و حتی احتمال بروز یک شکاف عمیق خواهد بود. به‌رغم این‌که روحانی از حمایت بخش بزرگی از بورژوازی داخلی و نیز بورژوازی بین‌المللی برخوردار است، اما قادر به حل بحران‌های متعدد نظم موجود، نخواهد بود. بن‌بست طبقه حاکم بر ایران به‌جای خود، باقی خواهد ماند و شرایط مادی و معیشتی توده‌های کارگر و زحمتکش وخیم‌تر خواهد شد. تحت یک چنین شرایطی، رژیم که قادر نیست حتی مطالبات اقتصادی و صنفی کارگران و زحمتکشان را پاسخ دهد، سرکوب و اختناق را تشدید خواهد کرد و به ویژه بر دامنه اقدامات سرکوبگرانه و فشار علیه طبقه کارگر خواهد افزود. این واقعیت از هم اکنون آشکار است. هنوز چند روزی از دور دوم زمامداری روحانی نگذشته است که تهدید و فشار به فعالین کارگری و سندیکائی افزایش یافته است. رضا شهبای عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد بار دیگر به بندکشیده شده و برای علی نجاتی از رهبران و بنیانگذاران سندیکای نیشکر هفت تپه، احضاریه صادر شده است. اما هیچیک از

این وحشی‌گری‌ها نمی‌تواند رژیم را از بحران و بن‌بست نجات دهد. وقتی که شکست سیاست‌های طبقه حاکم در هر کشوری بر توده‌های وسیع مردم آشکار می‌گردد، بدین معناست که توده‌ها برای تحقق مطالبات خود به مسیری در خارج از نظم موجود روی می‌آورند. سیاست‌های جمهوری اسلامی و جناح‌های آن، در تمام عرصه‌ها به شکست کامل انجامیده است و توده‌های زحمتکش به تجربه دریافته‌اند که این سیاست‌ها جز فاجعه، نتیجه‌ای در پی نداشته است. بنابراین هیچ توهمی در میان توده‌های کارگر و زحمتکش ایران به بهبود اوضاع در چهارچوب نظم موجود و رژیم حاکم نیست. این نیز عامل دیگری در گرایش توده‌های مردم به سرنگونی رژیم است.

در مجموع تمام شواهد موجود نشان می‌دهند که همراه با تشدید تضادها و بحران‌های رژیم، مبارزات اعتلای بازهم بیشتری خواهد یافت، جناح‌های رژیم، رسوا تر و مقتضح‌تر و موقعیت رژیم منززل‌تر و ضعیف‌تر خواهد شد، توازن قوا هر چه بیشتر به نفع طبقه کارگر و متحدان آن تغییر خواهد کرد و شرایط برای سرنگونی رژیم بیش از هر زمان دیگر فراهم خواهد شد.

در این شرایط که چشم‌انداز اعتلای جنبش وجود دارد و در نتیجه انباشت و حدت تضادها، هر لحظه ممکن است، خشم و ناراضیاتی

همین لحظه، بر وخامت شرایط مادی و معیشتی اقشار دیگری از توده‌های زحمتکش نیز تأثیر جدی گذارده و تضاد آن‌ها را نیز با رژیم حاکم تشدید کرده است. گروه‌هایی از این اقشار میانی جامعه که سابق بر این هنوز از امکان بالنسبه بهتری برای زندگی برخوردار بودند و حتی بهبود وضعیت خود را در چارچوب نظم موجود می‌دیدند، اکنون زیر فشار وضعیت وخیم اقتصادی به صفوف نیروهای مخالف وضع موجود پیوسته یا در روند پیوستن به آن هستند. لذا مجموعه این شرایط، احتمال ارتقای مبارزات به یک جنبش سیاسی سرتاسری و شکل‌گیری یک بحران انقلابی را بیش از هر زمان دیگر افزایش داده است.

عامل دیگری که چشم‌انداز رشد و اعتلای جنبش انقلابی را تقویت می‌کند، استبداد و سرکوب و سلب آزادی‌های سیاسی توده‌های وسیع مردم است. جمهوری اسلامی هیچ سرسازشی با آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم ایران نداشته و نخواهد داشت. از همین روست که پیوسته استبداد، اختناق، سرکوب و کشتار تشدید شده است. با توجه به عمیق‌تر شدن بحران‌هایی که رژیم با آن‌ها مواجه است، با توجه به تشدید تضادها و افزایش ناراضیاتی توده‌ای، با توجه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه که در مجموع، به نفع رژیم نیست، جمهوری اسلامی به تنها حربه خود برای مقابله با رشد ناراضیاتی، اعتراض و مبارزه توسل خواهد جست و دیکتاتوری عریان را بازم تشدید خواهد کرد. از این منظر نیز تضاد میان توده‌های وسیع مردم ایران با رژیم تشدید خواهد شد.

فساد و گندیدگی جمهوری اسلامی که در اختلاس، دزدی‌ها و غارت‌های کلان درون دستگاه دولتی به شکلی عریان برملا شده است، عامل دیگری است بر رسوایی سیاسی و اخلاقی بیشتر رژیم در میان توده‌ها و تشدید تضاد کارگران و زحمتکشان بانظم موجود و رژیم حاکم. فساد همه‌جانبه رژیم جمهوری اسلامی حتی از دید عقب‌ماندترین و ناآگاه‌ترین توده‌ها، یک شکست اخلاقی و سیاسی بزرگ رژیم محسوب می‌شود. اعتراض به رژیمی که این‌همه فساد مالی، چپاول، دزدی و غارت به بار آورده است، هم‌اکنون به جزئی از مبارزات توده مردم تبدیل شده و به یک شعار ضد رژیمی در تظاهرات و تجمعات اعتراضی کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. نفرت توده‌ای از این رژیم سرتاپا فاسد، بازم افزایش خواهد یافت.

در سیاست خارجی نیز شکست‌های پی‌درپی جمهوری اسلامی عامل دیگری است که بر بحران‌های داخلی رژیم تأثیر گذارده و مخالفت و اعتراض توده‌ای را برانگیخته است. توده‌های مردم ایران اکنون کاملاً آگاه‌اند که این سیاست خارجی هزینه‌های هنگفتی را بر دوش آن‌ها تحمیل کرده است، لذا مخالفت توده‌ای جدی‌تری را به بار خواهد آورد.

اعمال تحریم‌های جدید دولت آمریکا و تصویب "طرح مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران" در کنگره آمریکا، که بازتاب تشدید تضاد دولت آمریکا و جمهوری اسلامی است، در هر حال عواقب منفی برای رژیم در پی خواهد داشت.

از سوی دیگر، نظر به اینکه اوضاع سیاسی بحرانی خاورمیانه پس از به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا و تلاش امپریالیسم آمریکا به شکل‌دهی یک بلوک سیاسی- نظامی منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی، موقعیت جمهوری اسلامی را وخیم‌تر کرده است، تضادهای رژیم جمهوری اسلامی با رژیم‌های منطقه نیز تشدید خواهد شد. این مسئله نیز می‌تواند نتایج وخیم‌تری برای رژیم در پی داشته باشد. چراکه در هر حال بر اوضاع داخلی و تشدید تضادهای داخلی تأثیر خواهد گذاشت و یکی از نتایج آن، تشدید تضادها و اختلاف باندهای درونی جمهوری اسلامی خواهد بود.

علاوه بر این، هرچه جنبش اعتلای بیشتری پیدا کند، هرچه ناتوانی

## گزارش سیاسی کمیته اجرایی سازمان به کنفرانس شانزدهم

کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، بدون یک انقلاب اجتماعی، تحقق هیچیک از مطالبات آن‌ها ممکن نیست. این را تجربه و تاریخ به‌دفعات نشان داده است.

فعالین و نیروهای جانب‌دار سازمان ما در داخل ایران باید با متشکل شدن در هسته‌ها و حوزه‌های سرخ کمونیستی، فعالیت متشکل و تأثیرگذار خود را افزایش دهند و برای گسترش این هسته‌ها تلاش کنند. اساس فعالیت ما در میان کارگران، در کارخانه‌ها، به‌ویژه کارخانه‌ها و مؤسسات بزرگ داری اهمیت استراتژیک در جنبش کارگری، و محل زندگی کارگران و زحمتکشان خواهد بود. باید خستگی‌ناپذیر برای سازماندهی، ارتقای سطح تشکل و آگاهی کارگران، تبدیل مبارزات منفرد و پراکنده به یک جنبش متشکل سرا سری کارگری تلاش نمود.

وظیفه نیروهای سازمان در خارج از کشور است که با استفاده از تمام امکانات خود به تقویت موقعیت سازمان در عرصه سیاسی و دفاع همه‌جانبه از طبقه کارگر و مطالبات آن بپردازند. در این دوره ضروری است که تبلیغات را به چند برابر افزایش داد، به‌ویژه با توجه به دسترسی میلیون‌ها تن از مردم ایران به شبکه‌های اجتماعی، از این امکان برای تبلیغ و ترویج مواضع سازمان و تقویت جنبش انقلابی طبقه کارگر، در حداکثر ممکن استفاده کرد.

سازمان ما وظیفه خود می‌داند که بی‌رحمانه علیه تمام جریان‌ها و گرایش‌هایی که می‌کوشند، جنبش طبقاتی کارگران را تضعیف و آن را به انحراف بکشانند، مبارزه کند. همانگونه که کنفرانس پانزدهم سازمان بر آن تأکید داشت، گرایش اصلاح‌طلبی یک مانع جدی در مقابل توده‌های کارگر و زحمتکش برای سرنگونی جمهوری اسلامی است، این گرایش با تمام امکانات داخلی و بین‌المللی خود برای حفظ نظم موجود و بقای جمهوری اسلامی تلاش می‌کند. این حقیقت را خیمه شب بازی انتخاباتی اخیر رژیم نیز نشان داد. افشاء و انفراد سیاسی این گرایش طبقاتی و برانداختن نفوذ آن در میان بخش‌هایی از توده‌های مردم، یکی از وظائف مهم برای برپائی انقلاب اجتماعی در ایران است. در عین حال، باید خطر گرایش‌های بورژوائی رنگارنگ دیگر، از قماش سلطنت‌طلبان، جمهوری‌خواهان، مجاهدین خلق، دارو دسته‌های طرفدار رژیم را که در تلاش‌اند با جلب حمایت برخی قدرتهای امپریالیست خود را تبدیل رژیم حاکم قرار دهند، جدی گرفت و آن را افشا کرد. بنابراین، طبقه کارگر در همان حال که برای سرنگونی طبقه حاکم و باندهای بورژوائی درونی جمهوری تلاش می‌کند، باید هوشیار باشد و اجازه ندهد که بار دیگر، بورژوازی داخلی و امپریالیسم جهانی یک گروه بورژوائی دیگر را از هر قماش، تحمیل کند و فاجعه، بار دیگر تکرار گردد.

از هم‌اکنون باید برای برپائی اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی، که زمینه‌ساز برپائی یک اعتصاب سیاسی سرا سری و قیام مسلحانه برای سرنگونی طبقه حاکم و برپائی انقلاب اجتماعی است، تلاش کرد.

راهی برای نجات توده‌های زحمتکش و ستمدیده مردم ایران، تحقق مطالبات آزادی‌خواهانه، دموکراتیک و رفاهی عموم کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان، معلمان و پرستاران، ملیت‌های تحت ستم، جز یک انقلاب اجتماعی و حکومت کارگری نیست. تنها این انقلاب است که می‌تواند، فوری‌ترین مطالبات عمومی را به رادیکال‌ترین شکل ممکن عملی سازد و راه را برای گذار به سوسیالیسم بگشاید.

عمومی در یک بحران سیاسی منفجر شود و جامعه ایران عرصه نبردهای حاد سیاسی گردد، ضرورت سازمان‌یافتگی هرچه بیشتر طبقه کارگر، میرمتر از هر زمان دیگر می‌شود. این واقعیتی است آشکار، که طبقه کارگر در مبارزات بی‌امان خود پیوسته تجربه آموخته، آگاهی طبقاتی کارگران افزایش یافته، اتحاد و همبستگی در صفوف کارگران تقویت شده و توأم با آن، سطح مبارزه و سازمان‌یافتگی کارگران ارتقاء یافته است. همین که می‌بینیم کارگران یک رشته تولید یا چند واحد تولیدی و خدماتی، هم‌زمان دست به اقدام مبارزاتی می‌زنند یا مشترکاً تجمع اعتراضی، راهپیمایی و تظاهرات برپا می‌کنند، گویای پیشرفت بزرگ جنبش طبقه کارگر ایران است. با این وجود، هنوز نیاز به سطح عالی‌تری از آگاهی و سازمان‌یافتگی است. بنابراین وظیفه سازمان ما و تمام پیشروان جنبش کارگری است که با استفاده از تمام نیرو و امکانات خود برای ارتقای سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر، تقویت پیوند مبارزاتی واحدهای تولیدی و خدماتی رشته‌های مختلف و در نتیجه، سازمان‌دهی رشته‌های کارگران، تلاش کنند. چراکه تجربه سال‌های اخیر به‌وضوح نشان می‌دهد که جنبش سرا سری سازمان‌یافته طبقه کارگر فقط می‌تواند از درون سازمان‌یافتگی رشته‌های کارگران، شکل بگیرد. رژیم دیکتاتوری حاکم بر ایران همواره تلاش کرده، هر تشکل کارگری را سرکوب و در نطفه خفه کند. بنابراین مادام که اوضاع بر این منوال است، اساس تشکل‌ها، کمیته‌های کارخانه، کمیته‌های هماهنگی رشته‌ای و هر تشکل مستقل کارگری دیگر، مخفی خواهد ماند. تجربه سال‌های اخیر نیز به وضوح نشان داده است که با وجود این تشکل‌های مخفی، لطمات بسیار کمتری به طبقه کارگر و پیشروان آن وارد آمده است. استفاد از شبکه‌های اجتماعی نیز که در شرایط کنونی میلیون‌ها تن از مردم ایران عضو آنها هستند، یکی از ابزارهای مهمی است که باید دقیق و حساب شده از آنها برای پیشبرد مبارزات، ارتقاء آگاهی و حتی سازماندهی استفاده کرد. این شیوه کار تاکنون نتیجه داده و در طول دو، سه سال اخیر شاهد گسترش مبارزات مشترک رشته‌ای با استفاده از این ابزارها نیز بوده‌ایم.

همانگونه که پیش از این اشاره شد و همه می‌دانند، در ایران میلیون‌ها تن از مردم ایران بیکارند. این جمعیت متجاوز از ده میلیون بیکار، پراکنده‌اند و رژیم استبدادی حاکم، حق ایجاد تشکل از آنها را نیز که از طریق آن بتوانند مبارزه مشترکی را برای اشتغال، حقوق بیکاری و تأمین اجتماعی سازمان دهند، سلب کرده است. اخیراً گروه‌هایی از جوانان بیکار با استفاده از شبکه‌های اجتماعی توانسته‌اند، بیکاران شهر و محل زندگی خود را در کمیته‌های جوانان بیکار سازماندهی کنند و مبارزه مشترک خود را برای اشتغال و تأمین اجتماعی آغاز کنند. باید از این تجربه آموخت و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ایجاد کمیته‌های بیکاران در سراسر ایران، اقدام نمود.

با توجه به چشم‌انداز اعتلای بیشتر جنبش، وظیفه سازمان ما به‌عنوان پیگیرترین مدافع انقلاب اجتماعی و استقرار یک دولت شورایی کارگری است که تمام امکانات خود را برای تقویت نقش طبقه کارگر در رهبری جنبش به خدمت گیرد. این حقیقت را مکرر در میان توده‌های مردم تبلیغ کند که بدون رهبری طبقه کارگر در جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران، بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و



## پیام شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فداییان (اقلیت) به هواداران و فعالان سازمان در داخل کشور

### رفقای هوادار و فعالین سازمان،

با گرم‌ترین درودهای کمونیستی به شما رفقای که در یکی از تاریک‌ترین دوران تاریخ ایران، به‌رغم سرکوب و خفقان حاکم از سوی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، همچنان به پیکار بی‌امان خود علیه خصم طبقاتی کارگران ادامه می‌دهید و جهت تحقق اهداف سوسیالیستی طبقه کارگر از هیچ کوششی حتماً نثار جان خود دریغ ندارید.

### رفقا،

نگاهی به زندگی توده‌های کارگر و زحمتکش نشان می‌دهد، آنان با چنان فقر و فلاکت، استبداد، بی‌حقوقی، محرومیت از آزادی و سرکوبی مواجه‌اند که کمتر نمونه‌ای در جهان سرمایه‌داری با آن برابری می‌کند. فقر و فلاکتی که روزبه‌روز تعمیق گشته و گسترش یافته است تا به امروز که اکثریت مردم زیر خط فقر گذران عمر می‌کنند. در حال حاضر، دشمن طبقاتی کارگران در سایه‌ی رژیم حامی‌اش، چندان عرصه را بر کارگران تنگ کرده و ابعاد استثمار را به حدی رسانده‌است که حتی از پرداخت همان دستمزد ناچیزی که طبق قوانین رژیم به کارگران تعلق می‌گیرد، هم سر باز می‌زند. در نتیجه، شکاف طبقاتی بین اقلیت غارتگر و اکثریت کارگر و زحمتکش جامعه چندان ژرف گشته است که در تاریخ ایران بی‌سابقه است. رشد ناهنجاری‌های گوناگون همچون کودکان کار، اعتیاد، تن‌فروشی، کارتن‌خوابی، تخریب بی‌رویه محیط زیست و ده‌ها نابسامانی دیگر در ابعاد بحران‌زای، ثمره‌ی نظامی است که در ایران در گندیده‌ترین و ارتجاعی‌ترین شکل حاکمیت سیاسی به حیات خود ادامه می‌دهد، یعنی رژیم ارتجاعی دینی جمهوری اسلامی.

در حالی که اکثریت مردم در وخیم‌ترین وضعیت معیشتی به سر می‌برند، جمهوری اسلامی دسترنج و ثروت توده‌های کارگر و زحمتکش را از یک سو، صرف تأمین مخارج و گسترش دستگاه‌های امنیتی - نظامی سرکوبگر و ارگان‌های تحمیق دینی می‌کند و از سوی دیگر جهت پیشبرد سیاست‌های هژمونی‌طلبانه خود در منطقه بر آتش جنگ‌های فرقه‌ای می‌دمد.

در چنین وضعیتی در سایه‌ی فساد مزمن و سیستماتیک، سران رژیم با دزدی‌های میلیاردی و حقوق‌های میلیونی در ناز و نعمت به سر می‌برند و با هم بر سر بهره‌ی بیش‌تر از این خوان یغما در رقابت‌اند.

شکست‌های پی در پی در عرصه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، ناکامی در پیشبرد سیاست‌های خارجی پان‌اسلامیستی، تشدید اختلاف باندهای رژیم، و ناتوانی در حل معضلات دامن‌گیرش، امروزه رژیم را واداشته به تنها حربه‌ی بازدارنده‌ی خود یعنی قوه‌ی قهر و سرکوب و اختناق و تشدید روزمره‌ی آن

متوسل گردد. زیرا تشدید این تضادها و بحران‌ها، گسترش و تعمیق نارضایتی، اعتراضات و اعتصابات کارگران و زحمتکشان را به همراه داشته است.

### رفقا،

روزی نیست که در گوشه و کنار ایران با اعتراض و اعتصابی روبرو نباشیم. اعتراض توده‌های مردم علیه فقر، بیکاری، گرسنگی، تبعیض، بی‌حقوقی، نبود آزادی، تخریب محیط زیست، پخش پارازیت، آلودگی هوا، نابسامانی برق و آب، فساد ریشه‌دار و ده‌ها نابسامانی دیگر شاهده‌ی بر این مدعاست. از آن مهم‌تر، گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری‌ست که به امری روزانه بدل گشته‌اند. این اعتراضات و اعتصابات از یک ویژگی برجسته برخوردارند: افزایش تعدد و ارتقا و رشد کیفی. امروزه، پاره‌ای از اعتراضات مردمی و اعتصابات کارگری توأم با طرح شعارهای سیاسی گشته‌اند. این نشانی‌ست از نارضایتی عمیق و رسوایی همه‌جانبه رژیم و سردمدارانش نزد توده‌های مردم.

### رفقای هوادار و فعالان سازمان!

با توجه به رشد روحیه اعتراضی و خصلت سیاسی مبارزات، می‌توان انتظار داشت جامعه ایران عرصه نبردهای حاد سیاسی گردد. سرنوشت این نبرد به طبقه کارگر وابسته است. زیرا این تنها طبقه‌ای‌ست که در صورت کسب آگاهی و تشکل و کسب هژمونی در نبردهای پیش‌ارو به تمامی نابسامانی‌های نظم سرمایه‌دارانه کنونی پایان دهد و برای توده‌های مردم رفاه و آزادی به ارمغان آورد.

چنین چشم‌اندازی، وظایف کمونیست‌ها و پیشروان کارگری را ده چندان می‌کند. برای انجام این وظایف باید از همین امروز تدارک دید. در این مرحله، اصلی‌ترین و مهم‌ترین عرصه فعالیت متشکل ساختن کارگران است. ما باید تمام تلاش خود را برای ایجاد هسته‌های سرخ کارگری به کار بندیم. ایجاد و توسعه کمیته‌های مخفی کارگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا این کمیته‌های مخفی متشکل از پیشروان و فعالان کارگری‌ست که از این پتانسیل برخوردارند که در شرایط اعتلای سیاسی به کمیته‌های اعتصاب و شوراهای کارگری بدل گردند.

گرچه در پاره‌ای از اعتصابات کارگری گذشته شاهدیم که مبارزات کارگران، در برخی موارد، از سطح مبارزات منفرد در یک کارخانه یا مؤسسه خدماتی فراتر رفته و به سطح مبارزه فراکارخانه‌ای و رشته‌ای فرا روییده است، اما برای ارتقای باز هم بیش‌تر این مبارزات، به سطح عالی‌تری از آگاهی و سازمان‌یافتگی نیاز است. تلاش برای نیل به این هدف از وظایف مهم کمونیست‌ها و پیشروان کارگری‌ست.

### رفقا!

فراموش نکنیم هسته‌های سرخ و کمیته‌های کارخانه در این مرحله باید با رعایت تمام جوانب امنیتی و به شکل مخفی تشکیل شوند، اما هدف از تشکیل مخفیانه این هسته‌ها و کمیته‌ها، پنهان داشتن هویت فعالین از دید ارگان‌های امنیتی و سرکوب و جاسوسان رژیم است. لیکن همه به خوبی می‌دانیم که هیچ مبارزه‌ای را نمی‌توان مخفیانه پیش برد. پس، ضروری است در تمام مبارزات جاری، خواه مبارزات کارگری، خواه اعتراضات توده‌ای، نقشی فعال و مداخله‌گرانه ایفا کنیم و در صورت امکان از سازماندهندگان این مبارزات باشیم. و با استفاده از شیوه‌ها و ابزار گوناگون شعارها و مواضع سازمان را به میان کارگران ببریم.

گذشته از آن، باید تمام توان خود را به کار بریم تا هر چه بیش‌تر و گسترده‌تر، هسته‌های سرخ را ایجاد کنیم؛ در میان دوستان و آشنایان، در محله‌ها در محل‌های کار، در میان دانشجویان، در میان بیکاران، در میان زنان و...

رفقا، هوشیار باشیم که در مرحله کنونی، این هسته‌ها نباید از جمع‌های کوچک فراتر روند. مسلم است که در شرایط لازم، این هسته‌های کوچک‌اند که به هم می‌پیوندند و از قدرت تأثیرگذاری بیشتری برخوردار می‌گردند. اما تا آن زمان، این هسته‌ها باید علاوه بر مداخله‌ی فعال در مبارزات کارگری و مردمی، به آموزش و ارتقای سطح ایدئولوژیک - سیاسی خود بپردازند. برای به انجام رساندن وظایف باید از تمام وسایل ارتباطی ممکن، با رعایت تمامی جوانب امنیتی، بهره گیریم. به ویژه امروزه با اشاعه‌ی استفاده تکنولوژی مدرن، رسانه‌های اجتماعی از دیگر ابزارهایی‌اند که می‌توانند با رعایت احتیاط در خدمت گسترش دامنه فعالیت به کار گرفته شوند.

### رفقا!

ما شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فداییان (اقلیت) بار دیگر دست شما رفقای عزیز را رفیقانه به گرمی می‌فشاریم و تلاش و پیکار شما را ارج می‌نهیم.

پیروز باد رزم مشترکمان!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار

باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان

فداییان (اقلیت)

شهریور ماه ۱۳۹۶



## پیام شرکت کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان به خانواده های جانبختگان و زندانیان سیاسی

دروهای بیکران ما، شرکت کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) بر شما خانواده های جانفشانان راه آزادی و سوسیالیسم باد! شما، خانواده ها و بازماندگان رفقای دلاورمان که در زنده نگه داشتن یاد و خاطره سترک آنان رنج ها و سختی های فراوانی را متحمل شدید، شما، که همواره چه در دوران رژیم ستم شاهی و چه در حاکمیت استبدادی جمهوری اسلامی با قامتی افراشته و عزمی استوار در کنار فرزندان برومندان ثابت قدم ایستادید. شمایانی که علاوه بر تحمل رنج توانفرسای از دست دادن عزیزان مبارز و سرو قامت تان، خود نیز پیوسته مورد تعرض، سرکوب و بی حرمتی های نیروهای ساواک در رژیم گذشته و ماموران امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفتید. درود ما بر شما باد!

شما، خانواده های جانفشان فدایی و دیگر مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم، با از خودگذشتگی و تحمل مشقت های فراوان در تداوم بخشیدن به راه مبارزاتی فرزندان برومندان، به ما و دیگران نیز آموختید که پرچم مبارزاتی آنان هرگز بر زمین نخواهد ماند. رفقای که با پایداری و قهرمانی شان در بیدادگاه های دو نظام پادشاهی و ارتجاع اسلامی حماسه ها آفریدند. آنچنان حماسه ای که نه تنها در ذهنیت توده ها و عناصر آگاه جامعه به صورت قهرمانانی فراموش ناشدنی ماندگار شدند، بلکه فصلی درخشان از تاریخ مبارزاتی مردم ما را به نام خود و شما رقم زدند. پایداری آنان در دفاع از آزادی و سوسیالیسم و وفاداری به منافع کارگران و توده های زحمتکش جامعه، نه فقط الگویی برای ما و دیگران شد، بلکه صلابت و پایداری آنان چه در میدان نبرد و چه در درون زندان و زیر شکنجه های مرگ آور بازجویان و دژخیمان دو رژیم سلطنتی و ارتجاع اسلامی آنچنان چشمگیر و درخشان بود، که قاتلان و شکنجه گران آنان را نیز به حیرت و تحسین وا داشت. رفقای جانفشان و جان برکفی که با ایمان و باوری عمیق به آزادی و سوسیالیسم در چنین مسیر پر خطری گام نهادند و با علم به رهایی کارگران و توده های زحمتکش به پیکار با نظم استعمارگرانه سرمایه داری و دولت های حامی آن به مبارزه ای سترگ و خلل ناپذیر برخاستند. چرا که آنان "عاشق ترین زندگان" در دوران حیات خود بوده اند.

### خانواده های جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم!

در این سال های پرتلاطم و در این سال های آتش و خون، آنچه بر عزیزان شما و رفقای دلاور ما رفت، چه آن هایی که در راه آزادی و سوسیالیسم جانفشانی کردند و چه آنانی که در

زندان ها حماسه آفریدند، جملگی بر نبرد طبقاتی و مبارزه ای بی امان علیه نظام منحط سرمایه داری و دولت های حامی آن تاکید داشته اند. مبارزه ای بی امان در دفاع از منافع کارگران و توده های زحمتکش، مبارزه ای مداوم و پیکاری سترک که در تداوم خود با رهایی از ستم طبقاتی و رسیدن به آزادی و سوسیالیسم تجسم می یابد. شگفتا که در این مسیر پر تلاطم، شما خانواده ها نیز همگام و همراه با عزیزانتان سختی کشیدید، راه و رسم مبارزاتی فرزندان دلاورتان را تداوم بخشیدید، در زنده نگه داشتن یاد و خاطره ماندگارشان حماسه آفریدید و همانند آنان هر لحظه زندان و مرگ را تجربه کردید. درود ما بر شما باد. شما، مادران، پدران، همسران، خواهران، برادران و بویژه فرزندان و نونهالان رفقای گرانقدر مان که عمرتان با حسرت یک نگاه گرم و آغوش پر مهر مادران و پدرانتان سپری شد.

از این رو، ما شرکت کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن اعلام وفاداری به آرمان ها و تداوم بخشیدن راه رفقای جانبخته مان در مبارزه علیه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، به مقاومت، بزرگی و ایستادگی شکوهمند شما، خانواده های جانفشان فدایی و همه مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم درود می فرستیم. درود بی کران ما بر شما پاد!

### رفقای زندانی، مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم!

گرمترین و صمیمانه ترین درودهای کمونیستی ما بر شما باد. شما رفقا و پیکارگرانی که با ایمان به آزادی و سوسیالیسم، در مبارزه ای بی امان علیه ارتجاع اسلامی و محو سلطه نظام سرمایه داری قامت برافراشته اید. رفقای که به جرم دفاع از منافع کارگران و توده های زحمتکش به تحمل زندان و بند محکوم شده اید و در زندان نیز با سرکوب، شکنجه و انواع بی حقوقی ها مواجه هستید.

رفقا! شانزدهمین کنفرانس سازمان ما در شرایطی بر گزار شد که حسن روحانی دومین دوره زمامداری خود را آغاز کرده است. همانطور که در پیام دو سال پیش خود یادآور شدیم: "برای همه آنهایی که نسبت به شعارهای انتخاباتی روحانی متوهم بودند، باید روشن شده باشد که وعده های او صرفا در حد همان شعارهای انتخاباتی و ایجاد توهم در میان بخش هایی از توده های مردم بود"، اکنون با اتمام دوره چهارسال کابینه اول روحانی و شروع به کار کابینه دوم او، دیگر تردیدی برای کسی باقی نمانده است که حسن روحانی نیز همانند سلف خود قادر به انجام هیچ اقدام موثری جهت بهتر شدن شرایط اقتصادی و معیشتی کارگران و توده های زحمتکش جامعه نیست و نخواهد بود. اکنون

با گذشت بیش از چهار سال، تشت رسوایی دولت به اصطلاح "تدبیر و امید" آنچنان از بام به زیر افتاده است که صدای ناهنجارش حتا، به گوش حامیان و رای دهندگان او نیز آزار دهنده شده است. طی این مدت، تمام وعده های پرمطراق روحانی جهت چرخش "معیشت مردم" پوچ و توخالی از آب درآمده است. در چهار ساله گذشته، نه تنها کمترین گشایشی در وضعیت معیشتی کارگران و توده های زحمتکش ایجاد نشد، بلکه عرصه از جمیع جهات بر آنان تنگتر هم شد. نه تنها اندک گشایشی در مسیر "حقوق شهروندی" و کاهش فضای امنیتی کشور بوجود نیامد، بلکه کارگران و فعالان کارگری با سرکوب، بگیر و ببند و تعرض بیشتری هم مواجه شدند. تا جاییکه با همدستی آشکار کارفرمایان و دولت سرمایه داری حامی آن ها، کارگران بیشتری اخراج و یا به زندان و بند محکوم شدند. در این مدت، همچنین، با حکم بیدادگاه های جمهوری اسلامی شلاق بردگی بر کرده تعدادی از کارگران پیشرو فرود آمد، فشار بر معلمان، فعالان کارگری و فعالان حقوق اجتماعی شدت یافت و مهتر اینک اعمال فشار بر شما رفقای زندانی نیز به صورت کم سابقه ای افزایش یافته است. تا جاییکه هم اینک شما رفقای مبارز و زندانیان سیاسی در اعتراض به تشدید سرکوب در زندان و رساندن صدای دادخواهی تان به بیرون به ناچار به اعتصاب غذا روی آورده اید.

### رفقای کارگر زندانی و زندانیان سیاسی!

اگرچه ماهیت وجودی زندان ها در تمام نظام های استبدادی کم و بیش مشابه هم اند و سیاست آنان همواره بر سرکوب، شکنجه و کشتار مخالفین پایه ریزی شده است، در این میان اما، میزان توحش و بربریت حاکم بر زندان های جمهوری اسلامی بسیار فراتر از دیگر رژیم های سرکوبگر جهان است. هیئت حاکمه ایران به همان نسبت که در متن جامعه کمترین حقی را برای کارگران، توده های مردم و فعالان حقوق اجتماعی قائل نیست، در زندان نیز با بی توجهی به مطالبات بر حق شما، تا آنجا که برایش مقدور بوده است سرکوب سیستماتیک و بی حقوق محض را بر شما اعمال کرده است. در چنین وضعیتی، پوشیده نیست که ایستادگی و مقاومت شما در زندان و پایداری تان در دفاع از آزادی و سوسیالیسم به مانند خاری زهر آگین در چشمان هیئت حاکمه ایران است. چرا که مقاومت و پایداری تان می تواند تکیه گاهی قابل اعتماد برای همه انسان های آزادی خواه و مبارز در بیرون از زندان و در متن جامعه باشد. پایداری، مقاومت و ایستادگی تان در دفاع از منافع

## پیام شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) به زنان کارگر و زحمتکش ایران

### زنان کارگر و زحمتکش! زنان آگاه و مبارز!

درود ما شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) بر شما باد. شما، زنانی که تحت حاکمیت دولت دینی زن‌ستیز، با بی‌رحمانه‌ترین تبعیض، ستم و نابرابری مواجهید.

رژیم جمهوری اسلامی، چنان شرایطی را به عموم زنان در ایران تحمیل کرده است که نمونه آن را در کمتر کشوری از جهان می‌توان سراغ گرفت. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، در کنار رژیم مرتجع عربستان سعودی، در زمره معدود کشورهای جهان است که در آن برابری حتی حقوقی زن و مرد، به شکلی رسمی و علنی نفی شده است و قوانین رژیم جمهوری اسلامی بر این نابرابری و تبعیض صحه گذارده‌اند. وقتی که یک رژیم سیاسی، آشکارا مدافع نابرابری و تبعیض جنسی باشد، پوشیده نیست که ستمگری علیه زنان به اوج می‌رسد. دیگر مسئله صرفاً محدود به آن نیست که زنان از دسترسی به برخی مقامات محروم می‌شوند، از نابرابری دستمزد و حقوق رنج می‌برند، و با استقلال اقتصادی ندارند، بلکه منزلت و مقام زن در سطح یک انسان تابع، فرودست و درجه‌دو تقلیل می‌یابد. زن در همه عرصه‌ها با ستم، تبعیض و تحقیر مواجه می‌شود.

زن در ایران، در همه‌جا از خانه و محل زندگی گرفته تا خیابان و محیط کار در معرض انواع ستم، خشونت و تحقیر و فشارهای جسمی و معنوی قرار دارد. در نتیجه قوانین تبعیض‌آمیز و اسارت‌بار علیه زنان و کلیت سیاست‌های جمهوری اسلامی در تقویت و تحکیم جامعه مردسالار است، که زن در خانه، تابع و زیردست مرد است. سیاست و قوانین دولت دینی، مرد را فرمانروای خانه و زن را فرمان‌بر می‌داند. زن از دیدگاه جمهوری اسلامی عالی‌ترین وظیفه‌اش این است که در خانه بماند و یک زن خانه‌دار خوب باشد، از شوهر خود به‌خوبی مراقبت کند و وسایل رفاه و آسایش او را فراهم آورد. این مرد است که نان‌آور و رئیس خانواده است. می‌تواند زن را از کار کردن منع کند. قوانین جمهوری اسلامی حکم می‌کنند که حتی مسافرت زن منوط به اجازه مرد باشد. همین قوانین است که به مردان خانواده اجازه می‌دهند، حتی زن را تنبیه کنند و با خشونت رفتار نمایند. کم نیستند زنانی که توسط مردان خانواده به قتل رسیده‌اند. زنان در بیرون از خانه نیز با خشونت دولتی، سرکوب ارگان‌های رسمی و غیررسمی دولتی، تحقیر و توهین، مواجه‌اند. دولت دینی حتی بر نحوه پوشش زن در خیابان و محل کار نظارت دارد. زن در محیط کار با اشکال دیگری از ستم، تبعیض، تحقیر و خشونت مواجه است. قوانین دولت دینی که زن را به درجه نیمه انسان تنزل داده است، تا به آن حد رسواست که شهادت دو زن را در دادگاه برابر یک مرد می‌داند، سهم ارث زن را، نصف مرد قرار داده است و دبه قتل زن را نصف دبه

مرد دانسته است. این قوانین فوق ارتجاعی است که حتی پیشاپیش، اجازه قتل زن را به مرد با توجیه زنا داده است.

در کشوری که زنان به این شکل رسوا و ناهنجار، با نابرابری، تبعیض و ستم مواجه‌اند، حتی جداسازی زن و مرد به مرحله اجرا درآمده و حق انتخاب پوشش نیز از زنان سلب شده، تکلیف مسائلی از نمونه اشتغال پائین زنان، میلیون‌ها زن تحصیل‌کرده بیکار و فقیر، نابرابری دستمزد و حقوق، عدم دسترسی زنان به تمام مناصب و مقامات، روشن است. ستم بر زنان در ایران از جمیع جهات ابعادی هولناک دارد.

اما این‌همه به آن معنا نیست که زنان این نابرابری، ستمگری و تبعیض را پذیرفته و به آن تمکین کرده‌اند. بالعکس این ستمگری و تبعیض بی‌انتهای، جنبشی به وسعت سراسر ایران از عموم زنان پدید آورده که گرچه خودانگیخته و نامشکل است، اما در همه‌جا، از محیط خانواده تا خیابان، از درگیری با پلیس و دیگر مزدوران رژیم تا نفی علنی و آشکار مقررات ارتجاعی، از مبارزه علیه قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز تا مبارزه مستقیم و جمعی علیه دولت دینی پاسدار نابرابری زن و مرد، می‌توان این مبارزه را دید.

تردیدی نیست که عموم زنان در ایران با نابرابری و تبعیض مواجه‌اند، این اما به آن معنا نیست که همه زنان به یک درجه از فشارها و تضییقات بی‌شمار دولت دینی، ستم، تبعیض و نابرابری رنج می‌برند و به یکسان با آن مبارزه می‌کنند.

زنان بورژوا، زنان خانواده‌های ثروتمند و مرفه، از امکانات فراوانی برای کاستن از دامنه فشار، تبعیض، نابرابری و تضییقات جمهوری اسلامی برخوردارند و علاوه بر این به خاطر منافع طبقاتی‌شان خواهان برافتادن دولت دینی که پاسدار تبعیض و نابرابری علیه زنان است، نیستند.

زنان کارگر و خانوارهای کارگری اما نه‌فقط بیشترین فشار ناشی از نابرابری، تبعیض و ستم جنسی بر دوش آن‌هاست، بلکه با ستم طبقاتی، استثمار طبقه سرمایه‌دار ایران، فقر و گرسنگی نیز مواجه‌اند. زنان زحمتکش، معلمان، پرستاران، میلیون‌ها زن بیکار، زنان سرپرست خانواده، زنان تهیدست و فقیر شهرها و روستاها نیز نه‌فقط بار فشارهای ناشی از ستم جنسی را بر دوش می‌کشند، بلکه با شرایط بس دشوار مادی و معیشتی مواجه‌اند، که نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران به آن‌ها تحمیل کرده است و از این بابت نیز شرایطشان به زنان کارگر نزدیک است.

بنابراین این زنان کارگر و زحمتکش هستند که به شکلی قطعی و رادیکال خواهان برافتادن هرگونه نابرابری، ستم و تبعیض علیه زنان هستند. چراکه منافع طبقاتی آن‌ها ایجاب می‌کند. آن‌ها نه‌فقط خواهان برافتادن دولت دینی جمهوری اسلامی هستند که دین و دولت را آشکارا در هم ادغام نموده و قوانین و مقررات مذهبی قرون‌وسطایی را در مورد زنان به مرحله اجرا درآورده، بلکه از اساس، خواهان

دگرگونی تمام نظم موجودند که رهایی قطعی زن را به بار خواهد آورد. این زنان که اکثریت بسیار بزرگ زنان ایران را تشکیل می‌دهند، از متحدی قدرتمند، مردان طبقه کارگر برخوردارند و می‌توانند مطالبات عموم زنان را عملی کنند و نه زنان طبقه حاکم سرمایه‌دار و ثروتمند.

تجربه نیز به‌قدر کافی این واقعیت را به همگان، نشان داد که تحقق مطالبات برای طلبانه زنان، توسط زنان بورژوا، زنان طبقه حاکم، در ایران ممکن نیست. چند سال پیش را به یادآوریم که گروهی از زنان بورژوا-لیبرال و بورژوا مذهبی با ادعای تلاش برای اصلاح برخی قوانین تبعیض‌آمیز، به میدان آمدند. اما کاری جز این نکردند که گروهی از زنان و دخترانی را که واقعاً برای برابری به پا خاسته بودند، به دنبال جناح‌های مرتجع هیئت حاکمه بکشند و سرانجام آن‌ها را سرخورده و منفعل سازند. آن‌ها حتی نتوانستند یک مطالبه جزئی زنان را عملی کنند و با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو شدند. دلیل آن‌هم پوشیده نیست. آن‌ها از مرتجعین حاکم بر ایران مطالبات زنان را درخواست می‌کردند. آن‌ها از طریق زد و بند با مردان مرتجع طبقه حاکم خواستار اصلاح قوانین زن‌ستیز بودند. آن‌ها نه از طریق مبارزه میلیون‌ها زن تحت ستم، بلکه از طریق توسل به سران و نهادهای ارتجاعی رژیم زن‌ستیز و دستگاه قرون‌وسطایی مذهبی، خواهان حذف پاره‌ای از قوانین ضد زن بودند. آن‌ها با شکست مواجه شدند، چراکه خواستار حفظ نظم موجود و رژیم مذهبی و ستمگر جمهوری اسلامی بودند. اما زنان کارگر و زحمتکش نه‌فقط منافعشان ایجاب می‌کند که برای برانداختن تمام قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز و تحقق برابری حقوق زن و مرد، رادیکال مبارزه کنند، بلکه خواستار برافتادن طبقه حاکم بر ایران هستند و از متحدی قدرتمند، رادیکال و پرجمعیت برخوردارند که قدرت و توان لازم را برای دگرگونی نظم موجود دارد.

زنان کارگر و زحمتکش! زنان آگاه! تجربه نزدیک به چهل سال حاکمیت ستمگرانه دولت دینی جمهوری اسلامی، نابرابری، تبعیض و ستم وحشتناکی که در تمام این سال‌ها بر زنان اعمال شده است، نیازمند مبارزهای متشکل، پیگیر و بی‌امان برای سرنگونی دولت دینی است که یکی از ارکان موجودیتش بر نابرابری، تبعیض و ستم بر زنان قرار گرفته است. تجربه به همگان نشان داده است که مادام دولت دینی جمهوری اسلامی بر ایران حاکم باشد، حتی مطالبات حقوقی زنان امکان تحقق ندارد.

زنان کارگر و زحمتکش! زنان آگاه! شما که به همراه رفقا، برادران و مردان خانواده خود در پیکار سترگ کنونی جامعه ایران، علیه جمهوری اسلامی و نظم ستمگرانه سرمایه‌داری مشارکت دارید، مدافعین راستین برابری حقوق زن و مرد و مبارزه برای برانداختن هرگونه ستم، نابرابری و تبعیض علیه زنان هستید. پرچم افتخارآفرین رهایی زن را در دستان توانمند خود نگهدارید و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تشدید کنید.

## پیام فعالان داخل\* کشور- سازمان فدائیان (اقلیت) به کنفرانس شانزدهم

با درود های رفیقانه و کمونیستی به شرکت کنندگان در کنفرانس ۱۶ سازمان.

رفقا! ما پیشاپیش رضایت خاطر و سپاسگزاری خود را به ک-ا برای ارائه گزارش سیاسی رسا، جاندار و منطبق بر اوضاع و احوال داخل و خارج را اعلام می داریم. البته امید داریم در طول کنفرانس و بررسی گزارش توسط رفقا و دوستان شرکت کننده، مصوبات کنفرانس بطور درخشانی اهداف، نیازها و برنامه جنبش کمونیستی انقلابی را در شرایط کنونی دربرگیرد!

رفقا! در فاصله میان کنفرانس ۱۵ و کنفرانس پیش رو (کنفرانس ۱۶) بحران های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه عمیق تر شده، تحولات درونی رژیم متأثر از وضعیت بحرانی شتاب گرفته و میزان آسیب پذیری رژیم بشدت بالا رفته. هر کدام از دسته های درون رژیم راه نجات را در حفظ و موقعیت نیروی خود می دانند. هر دو جناح اصلی به میزان زیادی و بیبیش از آنچه تا کنون بوده، دچار آشفتگی و سر در گمی بیشتر شده اند. نمود این بحران عملا منجر به پراکندگی و ابهام از یک طرف میان خامنه ای و برخی از مهره های حکومتی و نیروهای سپاه پاسداران و آخوند های همسو شده و از سوی دیگر جناح حسن روحانی و شرکا در تقابل بیشتری با خامنه ای و سپاه قرار گرفته. جناحی که تا کنون توانسته بود بخشی از نیروهای به اصطلاح مدرن و مرفه جامعه را بدنبال خود بکشد، اما در رویارویی با خامنه ای، دچار ناتوانی و استیصال گردیده. در فراز و فرود میان دارودسته های رژیم، بیشتر عقبه ای این جناح سرخورده، منفعل و بی بی تفاوت شده اند. آرایش قوای پیشین رژیم عملا در حال بهم خوردن است. میان سه قوه رژیم تنش ویر خورد سیاسی بالا گرفته، افراد جناحها مرتب سنگر عوض می کنند و بطور علنی علیه همدیگر افشاء گری می کنند. بدنه رژیم ده ها ترک و شکاف برداشته. رفسنجانی مهره استراتژیک و مرد بالانس و توازن قوای رژیم در پی تشدید مبارزه میان جناحها سرش زیر آب فرورفت! بحران سیاسی تا آنجا پیش رفته که ابر مرد رژیم ولی فقیه که ظاهرا کلمات قصارش برای تک تک افراد و جناحهای رژیم حجت بوده، مجبور می شود در مناسبت های مختلف، وپی در پی حرف های تکراری خود را اصلاح و از نوع باز گو کند! در حالیکه به گوش دیگران نمی رود، و عملا سنگ روی یخ می شود! هر روز که می گذرد بال و پرولی فقیه بیشتر ریخته، و هیبت پوشالی اش در انظار عموم مفلوک تر جلوه می کند.

در همین فاصله، و بدنبال بحران هسته ای، که رژیم مجبور شده بود بطور علنی پای میز مذاکره با آمریکا برود و برجام را امضاء کند. بحران هسته ای اما، با امضای برجام پیچیده تر شده. علیرغم نرمش زبوانه خامنه ای برجام چون کلافی به دست و پای رژیم پیچیده و پی آمدهای آن موجب بسته شدن گریزگاه های رژیم بوده. مانند چماق تهدید آمیزی بالای سر رژیم نگاه داشته شده.

جنگهای ابتدا "نیابتی"، با دخالت مستقیم رژیم در کشور های منطقه به جنگهای ارتجاعی منطقه ای علیه توده های مردم تبدیل شده. موجب بن بست بیشتر در سیاست خارجی رژیم گردیده. پی آمد دخالت ضد انقلابی رژیم در کشورهای منطقه خشم مردم ایران را برانگیخته. چراکه بخش عظیمی از ثروت و سرمایه های مردم در راه سرکوب و تخریب کشورها و توده های مردم منطقه هزینه می شود. نفرت و بیزارای مردم ستمکش و آواره این کشورها علیه رژیم گسترش فراوان یافته است.

بحران سیاسی - اقتصادی، به بحرانی اجتماعی مژمن، فراگیر، و غیر قابل حلی برای رژیم تبدیل شده، و همه هستی آن را خود را فرو برده است. بحران رکود، و تورمی که به همه رشته های اقتصادی و خدماتی جامعه گسترش پیدا کرده. صنایع، کارخانه ها، مراکز تولیدی و بهره وری خدماتی یا تعطیل شده و یا نیمه تعطیل و بلا تکلیف مانده اند. خانواده های کارگری و زحمتکشان شهری و روستائی در نا بسامانی مطلق روزگار تلخی را از سر می گذرانند. حجم توده ی آواره و بی شکل شهری بسیار گسترش پیدا کرده. حقوق کارگری کمتر از یک میلیون تومان، تنها برای یک هفته از هزینه های زندگی کفاف می کند. سه هفته از ماه را خانواده های کارگری در ظلمت گرسنگی و تیره روزی می گذرانند. حقوق بگیران برای تامین حداقل هزینه های روزانه زندگی در مانده اند. کلیه کالاهای اساسی و ضروری زندگی روزانه مردم در این دوسال، علیرغم تبلیغات دروغین کابینه فریب کار حسن روحانی، افزایش قیمتی بیش از بیست و بیست و پنج درصدی داشته اند. نان در آوردن و شکم را با نان و پنیر شور پر کردن دغدغه ی سرپرست خانواده ها شده. اگر در سال های قبل تلاش می شد تا به فاصله هر یک یا دو ماه صحبت آوردن گوشت در سبد مصرف غذایی و سفره خانواده ها قرار گیرد، امروز خوردن یک وعده غذای گوشت قرمز در یک سال آرزوی خانواده های کارگری، و زحمتکش شده است. دغدغه تامین حیوانات جای گوشت را گرفته به مشکلی سخت برای خانواده ها تبدیل شده. مردم در وحشت اند از روزی که رژیم قصد ربودن و گرفتن حداقل نان و پنیر و لبنیات کم رقم را از سفره ی آنان داشته باشد.

نا رسائی در پاساژگونی و بر طرف کردن مشکلات عمومی اجتماعی و عدم ارائه خدمات شهری و روستائی، بعلاوه مشکلات منطقه ای و استانی (قطع متناوب برق های خانگی، کمبود آب، آلودگی هوا و محیط زیست شهری، ریزگردها - ناهنجاریهای اجتماعی) دست به دست هم داده، سلامتی، بهداشت و امنیت مردم بطور روزانه تهدید می شود. امراض و بیماری های ناشناخته، مرگ و میرهای ناگهانی زودرس، خود کشی ها، اضطراب و استرس مردم را بیشتر کرده است. رژیم راه حل همه نارسائیها و مشکلات مردم را، با اختناق و سرکوب جواب می دهد.

رفقا! رژیم دچار تزلزل و در مسیر زوال محتوم خود

قرار گرفته. نقطه اتکاء آن در جامعه و در میان مردم کم و کمتر شده. پایه ی بخش هایی از دستگاه های دولتی، وزارت خانه ها و ادارات روی هوا قرار گرفته، عملا در مانده از اجرای وظایف خود هستند، بطور نیمه فلج زمین گیر شده اند. و در این میان کلیه جریانات اصلاح طلب، ملی مذهبی، استحاله طلب و رفرمیست، فشری، رویزیونیست، و دیگر نیروهای رفو گر، ماستمال و واسطه، که دلشان خوش بوده به بند بازی میان جناح ها و اصلاح رژیم سرمایه داری مذهبی، سرشان بی کلاه مانده است. موضوع ناپایداری رژیم تا آنجا بالا گرفته که عملا موجب نگرانی آمریکا شده. اخیرا بطور علنی اعلام کرده که با کمک نیروهای های داخلی! تلاش می کند جای جریان نشسته بر قدرت را با نیروهای داخلی همسویا خودش عوض کند. ایند عشق با مجاهدین و سلطنت طلبان می باز د.

رفقا!

اوضاع و احوال جامعه بشدت نگران کننده و وارد مرحله حساسی شده است. طبقه کارگر، توده های زحمتکش و کم درآمد، از لحاظ معیشت و وضعیت بسیار بدی دارند. دستمزد ها چند برابر کم تر از هزینه های زندگی روزمره هستند. بیکاری یکی از مسائل همزاد با رژیم سرمایه داری اسلامی، طی سال های اخیر برابر بحران و تعطیلی کارخانه ها و موسسات شدت گرفته و به خیل بی کاران افزوده شده. مطابق آمار ی که اخیرا از طرف رژیم به بیرون درز پیدا کرده، ۲۵ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاهی سالانه بیکار می شوند. بیکاری وسیع و دستمزد پایین موجب محرومیت، درد ورنج، گرسنگی و سوء تغذیه خانواده های کارگران شده. پرداخت دستمزد و حقوق بخش هایی از طبقه کارگر دیر به دیر، هر دوسه ماه، و گاهی یک سال طولانی می شود. خیلی از پروژه ها و پیمانکاران آزاد و دولتی، پول دستمزد کارگران را عملا بالا می کشند و حاضر نمی شوند روی بدهی های خود و مطالبات حقوقی عقب مانده کارگران مذاکره کنند، اغلب طفره می روند.

میزان تلفات حوادث کار بالا رفته، ایمنی کارگران به شکل غیر مسؤلانه تری از جانب کارفرمایان نادیده گرفته می شود، حوادث کاری روزانه جان کارگران بیشتری را می گیرد. قراردادهای ناعادلانه و غیر منطقی و یک طرفه بنفع پیمانکار به مدت یک یا دو ماه و اغلب سفید امضاء همچنان به کارگران تحمیل می شود. رژیم سفت و سخت از ایجاد تشکل های کارگری جلوگیری می کند. و از دشمنی اش با تشکلهای کارگری و فعالان کارگری نه تنها ذره ای کاسته نشده، بلکه هر روز چنگ و دندان بیشتری به آنان نشان می دهد. پیگرد و تعقیب ها ادامه دارد. اعتصابات کارگری بطور جدا از هم و گسسته اما فشرده در میان مراکز کارگری برای پس گیری حقوق های عقب افتاده ادامه دارد. سرکوب های دوره ای مکرر در جلوگیری از رشد جنبش های اجتماعی و بویژه کارگری

از صفحه ۲

## کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) با موفقیت برگزار شد

یک رفیق در مورد این گزارش توضیح دهد و به سوالات پاسخ گوید.

سپس اجلاس وارد بحث شد و علاوه بر رفقای سازمان، رفقای که به عنوان میهمان دعوت شده بودند، در بحث‌ها و ابراز نقطه نظرات خود پیرامون اوضاع سیاسی، وظایف و تاکتیک‌های ما فعالانه مشارکت نمودند.

بحث‌هایی که در این بخش از کنفرانس شانزدهم سازمان صورت گرفت، عمدتاً پیرامون اوضاع سیاسی ایران، وظایف کمونیست‌ها، تاکتیک‌های ما و جنبش طبقاتی کارگران بود. شیوه برخورد به گروه‌های اجتماعی غیر کارگری، سیاست سازمان ما در قبال دیگر جریان‌های کمونیست و چپ، موانعی که بر سر راه شکل یابی طبقه کارگر قرار دارد، نقش تعیین‌کننده و پیش‌تاز طبقه کارگر در تحولات سیاسی ایران، درجه سازمان‌یافتگی و آگاهی طبقه کارگر، مبارزات فرا کارخانه‌ای و رشته‌ای کارگران، مختصات جنبش کمونیستی و کارگری، مختصات اپوزیسیون‌های رژیم، اهمیت ایجاد صندوق‌های اعتصاب، مسئله بیکاران، موقعیت جنبش‌های زنان و دانشجویان، مسائل مربوط به سیاست خارجی و جنبش مردم فلسطین از جمله مسائلی بودند که مورد بحث قرار گرفتند.

پس از بحث‌هایی که پیرامون این مسائل صورت گرفت و پاسخ‌هایی که به برخی سوالات توسط رفقا داده شد، قرار شد که کمیته اجرایی منتخب کنفرانس شانزدهم، تحولاتی را که پس از تدوین گزارش سیاسی، در جهان و ایران رخ داده به گزارش بیفزاید و با در نظر گرفتن پیشنهادها، رفقا، گزارش سیاسی را تکمیل و انتشار دهد.

گزارش سیاسی به رأی‌گیری گذاشته شد و به اتفاق آراء بدون مخالف به تصویب رسید. سپس پیام "فعالان داخل کشور- سازمان فدائیان اقلیت" به کنفرانس قرائت شد که مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

دستور کار بعدی کنفرانس شانزدهم، مشخص کردن پیام‌های کنفرانس بود. قرار شد پیام‌هایی خطاب به طبقه کارگر ایران، فعالین و هواداران سازمان، زنان کارگر و زحمتکش، خانواده‌های جان‌باختگان فدایی و زندانیان سیاسی صادر شود. کنفرانس، رهبری جدید سازمان را نیز انتخاب کرد.

کنفرانس شانزدهم سازمان عصر روز پنج شهریورماه با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.



## پیام فعالان داخل\* کشور- سازمان فدائیان (اقلیت) به کنفرانس شانزدهم

کار در هماهنگی کامل با سازمان و کمیته‌های سازمانی به تلاش خود بیفزائیم. کمیته آموزش - شناخت و تئوریک - سیاسی تشکیل بدهیم، کار آموزشی و ترویجی مارکسیستی را در راس برنامه‌های خود و در پیوند با کار تبلیغی قرار بدهیم. کلیه امکانات سازمانی و نیروی تشکیلاتی خود را به کار بگیریم. از وسایل ارتباط جمعی مدرن غافل نشویم. به تشکیلات و اهمیت کار تشکیلاتی مارکسیستی ارزش بگذاریم." اردوی کارنیز به گردان‌های متشکل و سازماندهی شده پرولتاریا دارد."

رفقا! به مانند جزء جزء یک ارگانسیم واحد تشکیلاتی با رسالت و برگزیده، نیروی‌های مادی و معنوی هرچند کوچک خود را در مسیر پویایی و پیشروی سازمان به کار ببندیم. با تلاش‌های کوچک خود می‌توانیم ساختمان بلند و رفیع پرولتاریای ایران را برپا کنیم. رفقا، همه ی تاب و توان و تلاش پیگیر ما فعالان داخل کشور با تعهدی افزون تر از پیش، در راستای اهداف و برنامه‌های سازمان است. ما، برای شما در برپایی و اجرای کنفرانس ۱۶ سازمان آرزوی موفقیت داریم. مشتاقانه در انتظار نتایج نشست و مصوبات کنفرانس ۱۶ سازمان هستیم. ما، برپایی کنفرانس ۱۶ و نشست بزرگ و دوسالانه سازمان را به طبقه کارگر ایران، به سازمان و کلیه نیروهای تشکیلاتی اعم از رهبری، کادرها، کمیته‌ها، اعضای، هواداران، میهمانان و کلیه نیروهای پیرامونی، و همسوی داخل و خارج تبریک می‌گوئیم.

رفقا! ما، از راه دور دست شما را می‌فشاریم، و همصدای با شما به افتخار برپایی نشست کنفرانس ۱۶ سازمان و به بزرگداشت رهروان راستین راه سوسیالیسم و انقلاب، سرود انترناسیونال سر می‌دهیم.

زنده باد سازماندهی و کار تشکیلاتی انقلابی برای رهایی طبقه کارگر

زنده باد عمل انقلابی و پراتیک اجتماعی.  
زنده باد انقلاب زنده باد سوسیالیسم.  
کار، نان، آزادی - حکومت شورائی  
فعالان داخل کشور- سازمان فدائیان اقلیت -  
شهریور ۱۳۹۶

\*- کنفرانس شانزدهم سازمان دو پیام از رفقای داخل کشور دریافت نمود که هر دو پیام در کنفرانس خوانده شد. پیام رفقای "هسته مقاومت رفیق بهروز دهقانی" حاوی برخی پیشنهادات تشکیلاتی است که به دلایل امنیتی انتشار علنی نمی‌یابد.

یکی از موانع پیشروی جنبش کارگری بوده. ترس از بحران اجتماعی و منطقه ای بطور کم‌رنگی هنوز بر سر راه شکل‌گیری ذهنیت مبارزه انقلابی طبقه کارگر و عناصر فعال انقلابی سنگینی می‌کند. پراکندگی نیروهای کارگری عارضه بعد از سرکوب هر جنبش کارگری، در جنبش کارگری ما به یک عارضه بازدارنده پایدار و منس لیبرالی در میان فعالین جنبش کارگری تبدیل گردیده، که باید بر آن غلبه کرد و با دخالت‌گری کمونیستی در عرصه پراتیک اجتماعی و جنبش کارگری از موانع بر سر راه مبارزه کارگری و کمونیستی عبور نمود. بورژوازی حاکم مرتب برای ایجاد تنش و توهم در افکار عمومی و در مقابله با جنبش اجتماعی و کارگری سناریو سازی می‌کند. تلاش حکومت در سرکوب و جلوگیری از رشد جنبش اجتماعی و کارگری، تا کنون نتوانسته موجب آرامش خاطر و اطمینان رژیم را حاصل نماید. نیروی اجتماعی عقب رانده و زخم خورده، تبدیل به توده ی فشرده و مترامکی شده، که رژیم را تهدید می‌کند. این نیروی بالقوه هر آن امکان دارد به حرکت و به فعل درآید.

رفقا! ما، خوشحالیم که در راستای استراتژی انقلابی سازمان فارغ از حساسیت‌های موضعی و سطحی رایج در جنبش کمونیستی، در عمق هماهنگی با جنبش کارگری داخل کشور در تلاش هستیم. سال‌هاست جنبش کمونیستی در دور بیهوده انرژی اش روی تعریف مباحث و مقوله‌های تعریف شده به هدر می‌رود. آنچه موجب خوشنودی ما در پیگیری مبارزه جدی و متشکل در راستای اهداف سازمان بوده، سیاست‌های انقلابی و مارکسیستی سازمان منطبق بر شرایط و اوضاع جامعه بوده است. سیاست‌های در ست و انقلابی - تلفیق کار علنی و مخفی، - استراتژی اعتصاب عمومی و نبرد مسلحانه همگانی در مسیر مبارزه طبقه کارگر و برپایی حاکمیت شورائی. این سیاست و روش انقلابی امروز علیرغم تهازل و ضدیت بی پایه مخالفان سطحی نگر، و دکماتیسم غالب میان نیروهای پراکنده کمونیستی، سر فصل مبارزه جدی طبقه کارگر و مبارزان راستین قرار گرفته است.

رفقا! در این مرحله از تاریخ ما نیاز داریم یک بار دیگر به آموزگاران پرولتاریا، به مارکس، انگلس و... به لنین انقلابی، پراتیسین بزرگ دنیا در کار انقلاب، و آموزش‌های سه گانه او در مورد تبلیغ، ترویج و سازماندهی مراجعه کنیم. با پای بندی به اهداف سوسیالیسم و انقلاب، و با تقسیم

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و  
قیام مسلحانه برانداخت**

## پیام شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) به زنان کارگر و زحمتکش ایران

## پیام شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان به خانواده‌های جانب‌باختگان و زندانیان سیاسی

کارگران و مطالبات آزادیخواهانه و بر حق‌تان، نه فقط تکیه گاهی برای همه مبارزان و پیکارگران راه آزادی و سوسیالیسم است، بلکه جلوه گاهی از امید و تلاش برای توده‌های وسیع مردم ایران نیز می‌باشد. توده‌هایی که در حاکمیت استبدادی جمهوری اسلامی در زندان بزرگتری به نام ایران به بند کشیده شده‌اند. کارگران و زحمتکشانی که روز از پس روز سرکوب می‌شوند و با روی کار آمدن هر یک از کابینه‌های رنگارنگ جمهوری اسلامی اختناق، فقر و ناداری بیشتری را تجربه می‌کنند. توده‌های مردمی که رنج و به بند کشیده شدن شما فرزندان آگاه و مبارزتان را در لحظه لحظه زندگی‌شان با پوست و گوشت لمس می‌کنند. کارگران و توده‌های مردمی که به رغم رنجی که از زندانی بودن‌تان می‌کشند، اما از داشتن مدافعان پیگیر و مبارزی چون شما بر خود می‌بالند و احساس غرور و سربلندی می‌کنند.

چرا که در پرتو همین پایداری‌ها و عمومی شدن آن در دفاع از مطالبات اقتصادی و سیاسی - دمکراتیک طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش است که می‌توان هیئت حاکمه ایران را به عقب نشینی واداشت. مبارزه و نبردی که در پی تداوم و گسترده‌گی آن در نهایت با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه توده‌ای طبقه حاکم فاسد ایران را از اریکه قدرت به زیر خواهد کشید و آنگاه بر ویرانه‌های نظم سرمایه‌داری، حکومت شورایی کارگران و زحمتکش‌شان مستقر و راه رسیدن به سوسیالیسم و محو ستم طبقاتی در جامعه هموار خواهد شد. ما شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن ارج گذاشتن بر صلابت، مقاومت و پایداری‌تان در زندان و بند، حمایت قاطع خود را از مطالبات برحق‌تان اعلام می‌داریم و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمام زندانیان سیاسی از زندان‌های جمهوری اسلامی هستیم. پس رزم‌تان پایدار و درود بی‌کران ما بر شما یاران باد!

سرنگون باد جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم

سازمان فدائیان (اقلیت)

شهریور ۱۳۹۶

سازمان فدائیان (اقلیت) که همواره پیگیرترین مدافع برابری حقوق زن و مرد و رهایی قطعی زن از هرگونه ستم بوده است و آنگاه‌ترین زنان در صفوف این سازمان پیکار کرده‌اند و ده‌ها تن از این زنان کمونیست، در راه اهداف آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه، جان فدا کرده‌اند، هدف فوری خود را سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکش‌شان قرار داده که بی‌درنگ باید مطالبات فوری زنان را به شرح زیر به مرحله اجرا درآورد.

۱- هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید ملغی گردد و زنان بدون هیچ قید و شرطی از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار باشند.

۲- تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان (حق حضانت)، قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز در مورد ارث، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و کلیه مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره باید به‌فوریت لغو شوند.

۳- لغو حجاب اجباری، ممنوعیت هرگونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن؛ زنان باید از حق آزادی پوشش برخوردار باشند.

۴- هرگونه فشار، تحقیر، اجبار و آزار و انیت و خشونت علیه زنان در محیط خانوادگی، محیط کار و جامعه ممنوع و مجازات شدیدی در مورد نقض آن‌ها اعمال گردد.

۵- آزادی کامل زن در انتخاب شریک زندگی خود؛ روابط خصوصی زن باید از هرگونه

تعرض مصون باشد.  
۶- حق سقط‌جنین، باید بدون قید و شرط به رسمیت شناخته شود.

۷- حقوق زنانی که بدون ازدواج دارای فرزند می‌شوند باید به رسمیت شناخته شود و این زنان باید به همراه فرزندان‌شان از کلیه حقوق فردی، اجتماعی در جامعه برخوردار باشند.

۸- زنان باید آزادانه و بر پایه برابری کامل با مردان در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشارکت داشته باشند و به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح دسترسی داشته باشند.

۹- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل و برابر با مردان در ازای کار مساوی

۱۰- ممنوعیت کار زنان باردار در رشته‌هایی که برای سلامتی آن‌ها زیان‌آور است

۱۱- ممنوعیت اخراج زنان باردار از محیط کار

۱۲- مرخصی زنان باردار یک ماه قبل و ۶ ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری کامل از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان

ما شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) بار دیگر درود می‌فرستیم و شمارا به تشدید مبارزه برای تحقق مطالبات فوق فرامی‌خوانیم.

نابود باد ستم و تبعیض علیه زنان

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان

فدائیان (اقلیت) - شهریور ۱۳۹۶



## به تبعیض، ستم و نابرابری علیه زنان باید پایان داده شود

زنان ستم‌دیده! مردم آزادیخواه!

ایران در زمره معدود کشورهای جهان است که در آن برابری حقوق زن و مرد آشکارا نفی و انکار شده است. تحت حاکمیت رژیم استبدادی و مذهبی جمهوری اسلامی زنان با بیرحمانه‌ترین تبعیض، نابرابری، ستم و سرکوب رو به رو هستند. به این تبعیض و بی‌حقوقی باید فوراً پایان داده شود.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار برافتادن هرگونه تبعیض، ستم و نابرابری علیه زنان است. زنان باید از حقوق اجتماعی و سیاسی کامل برابر با مردان برخوردار گردند و با برابری کامل به تمام شئون زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دسترسی داشته باشند.

زنان باید از دست‌مزد برابر با مردان در ازای کار برابر برخوردار شوند.

زنان باید در انتخاب شریک زندگی خود آزادی کامل داشته باشند.

حجاب اجباری باید ملغاً گردد.

حق سقط‌جنین باید بی‌قید و شرط به رسمیت شناخته شود.

کار- نان - آزادی - حکومت شورایی



## خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

**"اعتصاب غذا، جان رضا شهابی و دیگر زندانیان سیاسی را تهدید می‌کند"** عنوان اطلاعیه‌ای است که سازمان در ۱۴ شهریورماه انتشار داد. در این اطلاعیه خطاب به کارگران و زحمتکشان! کارگران شرکت واحد! آمده است:

زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج، از تاریخ ۹ مردادماه در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه و شرایط غیرانسانی و خفقان‌آور زندان‌های رژیم، در اعتصاب غذا به سر می‌برند. تعدادی از این زندانیان سیاسی، کارگران و معلمانی هستند، که به خاطر دفاع از حقوق صنفی و سیاسی کارگران و معلمان، دستگیر و به زندان محکوم شده‌اند. پس از گذشت بیش از یک ماه از اعتصاب غذا، وضعیت جسمانی زندانیان سیاسی به‌ویژه رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، رو به وخامت گذارده و جان آن‌ها در معرض تهدیدی جدی قرار گرفته است. تعدادی از این زندانیان به بیمارستان منتقل شده‌اند. دادستان جلاذ تهران، به‌جای رسیدگی به خواست زندانیان سیاسی، با پروئی ادعا می‌کند که دستگاه قضایی تسلیم نمی‌شود. اخبار جدیدی از اعتصاب غذای زندانیان در کردستان نیز انتشار یافته است.

طبق آخرین گزارش‌ها، رضا شهابی که با ادعاهای جعلی رژیم بار دیگر به بند کشیده شد، از زندان به بیمارستان انتقال یافته است. رضا شهابی که چندین سال صرفاً به خاطر دفاع از حقوق و منافع کارگران به حبس محکوم و پس از تحمل فشارهای بی‌رحمانه رژیم در زندان و اعتصاب غذای طولانی که منجر به صدمات جسمی به وی گردید، سرانجام آزاد شد، بار دیگر به بهانه‌های واهی، به بند کشیده شد. رضا شهابی از همان روز نخست ورود به زندان، در ۱۸ مردادماه، مجدداً اعتصاب غذای خود را آغاز نمود. اکنون نزدیک به یک ماه است که وی در اعتصاب غذا به سر می‌برد و وضعیت جسمانی او مدام وخیم‌تر شده است.

کارگران و زحمتکشان! برای نجات جان رضا شهابی و دیگر زندانیان سیاسی اقدام نمایید. به اقدامات سرکوبگرانه، وحشیانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی علیه زندانیان سیاسی، اعتراض کنید و خواستار آزادی زندانیان سیاسی شوید!  
کارگران شرکت واحد! رضا شهابی به خاطر دفاع از حقوق و مطالبات و منافع عموم کارگران شرکت واحد، به بند کشیده شده و اعتصاب غذا جان او را تهدید می‌کند. برای رهایی او از زندان به مبارزه علنی و متشکل روی آورید. دست از کار بکشید و خواستار آزادی فوری وی شوید!  
سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن محکوم کردن اقدامات وحشیانه، سرکوبگرانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی علیه زندانیان سیاسی، خواستار تحقق فوری خواست‌های آن‌ها، آزادی فوری و بی‌قیدوشرط رضا شهابی و تمام زندانیان سیاسی است.

روز چهارشنبه ۸ شهریور ماه سازمان ما اطلاعیه‌ای در حمایت از کارگران آذربایجان و هیکو انتشار داد. در این اطلاعیه گفته شده است، روز چهارشنبه، ۸ شهریورماه، بار دیگر خیابان‌های اراک عرصه راهپیمایی و تجمع‌های اعتراضی صدها تن از کارگران کارخانه‌های هیکو و آذر آب بود.

کارگران آذر آب در ادامه اعتراضاتی که از اردیبهشت تاکنون چندین بار به راهپیمایی و تجمع‌های اعتراضی انجامیده است، امروز با راهپیمایی و تجمع در مقابل اداره صنعت و معدن، و استانداری، خواستار تحقق مطالبات معوقه خود، از جمله پرداخت ۶ ماه دستمزد و مزایای معوقه شدند. کارگران وارد محوطه استانداری شدند که آن‌ها را بازور بیرون کردند. این کارخانه که با ۱۵۰۰ کارگر در تولید تجهیزات نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد و غیره فعالیت دارد، از مدتی پیش همچون دیگر واحدهای صنعتی اراک با مشکل رکود مواجه شده است. به‌رغم وعده‌های مکرر مقامات دولتی، تاکنون برای رفع مشکلات این واحد صنعتی و تحقق مطالبات کارگران، هیچ اقدام جدی صورت نگرفته است.

همزمان با اعتراض کارگران آذر آب، کارگران ماشین‌سازی هیکو نیز که اکنون مدت‌هاست با تظاهرات و راهپیمایی در سطح شهر و تجمع در مراکز و معابر عمومی، در حال مبارزه برای تحقق مطالبات خود هستند، در میدان شهدا تجمع کردند.

کارگران هیکو و آذر آب که مطالبات مشابهی دارند، دریافته‌اند که برای اثربخشی مبارزات و وادار کردن دولت و سرمایه‌داران به تحقق مطالبات معوقه خود، باید مبارزات خود را هماهنگ کنند و این مبارزات را به سطح خیابان‌ها و مراکز و معابر پر رفت‌وآمد بکشانند. از همین روست که امروز، همزمان دست به اقدام مبارزاتی زدند.

تا وقتی که نظام سرمایه‌داری بر ایران حاکم است و سرمایه‌داران حاصل دسترنج کارگر را تحت عنوان سود به جیب می‌زنند و مدام بر حجم سرمایه و ثروت خود می‌افزایند، راه نجاتی برای کارگر از استثمار، فقر، بیکاری و بدبختی وجود نخواهد داشت. تنها، سرنگونی نظام سرمایه‌داری و استقرار نظم سوسیالیستی نجات‌بخش کارگران است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از مبارزات و مطالبات کارگران هیکو و آذر آب، کارگران را به اتحاد و همبستگی سرا سری برای سرنگونی نظم ستمگرانه حاکم بر ایران فرامی‌خواند.

**"از فراخوان تظاهرات در دفاع از مبارزات کارگری در ایران حمایت کنیم"** عنوان اطلاعیه ای است که کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان- اقلیت (سوئد) در ۷ شهریور ماه انتشار داد. در این اطلاعیه آمده است:

طی هفته های گذشته همزمان با تشدید سرکوب سیستماتیک کارگران، سرکوب و اعمال فشار بر فعالین کارگری و زندانیان سیاسی نیز به طرز کم سابقه ای افزایش یافته است. در کنار اعتراضات کارگری، تعدادی از زندانیان سیاسی رجایی شهر کرج از جمله رضا شهابی در اعتراض به تشدید سرکوب و پایمال شدن ابتدایی ترین حقوق مسلم خود، به اعتصاب غذا روی آورده اند. هیئت حاکمه ایران اما، بجای پاسخگویی به مطالبات بر حق آنان، کماکان به تشدید سرکوب و اعمال فشار بیشتر به آنان روی آورده است.

ما با حمایت از فراخوان "کمپین دفاع از مبارزات کارگری در ایران" از همه انسان های آزادیخواه، سوسیالیست و برابری طلب می خواهیم تا فریاد رسای کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شوند تا همصدا با هم در روز شنبه ۲ سپتامبر ۲۰۱۷ در میدان "سرگل توریت- مرکز استکهلم"، اعتراض خود را علیه جمهوری اسلامی برای تحقق مطالبات کارگران و آزادیخواهان فریاد کنیم.

## پیام شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به طبقه کارگر

رژیم علیه طبقه کارگر و تشدید فشار بر فعالین کارگری و سندیکایی‌ست.

### رفقای کارگر، کارگران مبارز!

بهرغم تمام این یورش‌ها و اعمال قهر آشکار طبقه حاکم علیه طبقه کارگر، اما مبارزات کارگران در اشکال گوناگون و متنوعی نه فقط ادامه یافت، بلکه با رشد کمی و کیفی نیز همراه بود و جنبش طبقاتی کارگران را گام دیگری به جلو سوق داد. ده هزار کارگر در سرتاسر کشور و در رشته‌های مختلف، از صنایع فولاد و نوب‌آهن، نفت و گاز و معادن و پتروشیمی و نساجی و صنایع غذایی گرفته تا کارگران خودروسازی، کشتی‌سازی، ماشین‌سازی، سیمان، کارگران راه‌آهن، برق، مخابرات، راه‌سازی، حمل‌ونقل شهری، سدسازی، آب و فاضلاب، مترو، کشت و صنعت‌ها، فازهای مختلف عسولویه و کارگران شهرداری‌ها در این اعتراضات پرشمار و فزاینده شرکت داشتند و با اعتصاب، تجمع، راهپیمایی، تظاهرات، مسدودساختن جاده و استفاده از دیگر اشکال مبارزه کارگری، به طرح مطالبات خود پرداختند. بخش قابل توجهی از اعتراضات کارگری که پیوسته در حال افزایش است، به کارگران اخراجی و کارگران بازنشسته اختصاص یافت. خانواده‌های کارگری به نحو چشم‌گیری در اعتراضات و تجمعات کارگری شرکت کردند و نقش آن‌ها در این مبارزات پررنگ‌تر شده است. کارگران ایران در طی دو سال اخیر، بسیار بیشتر از سال‌های گذشته وارد خیابان شدند، دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند و با طرح شعارهای سیاسی و رادیکال که تا مبارزه مستقیم و بی‌واسطه علیه دولت ادامه یافت، افق‌های جدید و پیشرفته‌تری را فراروی جنبش طبقاتی کارگران گشودند. کارگران هپکو و برخی دیگر از کارگران و زحمتکشان در جریان تجمعات و راهپیمایی‌ها ی اعتراضی خود، شعارهای شورانگیز و جدیدی سردادند که در تمام دوران حیات جمهوری اسلامی سابقه نداشت و یادآور روزهای قیام ۵۷ و مبارزات توده‌ای علیه رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی بود. شعارهایی مانند "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی"، "من اگر برخیزم تو اگر برخیزی همه برمی‌خیزند" و نظیر آن که تماماً بیانگر جسارت و نترسی و تقویت روحیه اعتراضی کارگران و درعین‌حال حاکی از بیداری و ارتقاء آگاهی سیاسی طبقه کارگر است. این

شدند. صدها کارگر در معادن سنگ‌آهن، معادن زغال‌سنگ، معادن طلا و مس، در کارخانه‌های سیمان، در صنایع چوب و کاغذ، در پتروشیمی‌ها، خودروسازی‌ها، کشت و صنعت‌ها، فولاد، نساجی‌ها، مخابرات راه‌دور، شهرداری‌ها، عسولویه و دیگر مراکز تولیدی و خدماتی به دادگاه احضار شدند و پس‌از محاکمه به حبس و شلاق و جریمه نقدی محکوم و بخشا اخراج شده‌اند. افزون بر این، تنها طی یک دوره دو ساله (۹۵ و ۹۶) بیش از ۵۰۰ کارگر بدون آن‌که پایشان به این دادگاه‌ها باز شده باشد، صرفاً بخاطر فعالیت آگاه‌گرانه، سازماندهی اعتصاب و اعتراض، دفاع از حقوق اولیه کارگران و مبارزه برای دستمزد و بهبود شرایط کار، توسط کارفرمایان از کار اخراج شدند.

همپای این اقدامات سرکوب‌گرانه، تعقیب و پیگرد و پرونده‌سازی علیه فعالان کارگری و فعالان سندیکای کارگران شرکت‌واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، ادامه یافت و تشدید گردید. ارباب و تهدید و اعمال فشارهای گوناگون علیه اعضای سندیکای کارگران هفت‌تپه خصوصاً اعضای هیئت‌مدیره این سندیکا بیش‌ازپیش تشدید شده است. کارفرما و مالک جدید شرکت نیشکر هفت‌تپه، با نصب صدها دوربین دیجیتال و استقرار دائمی نیروهای انتظامی در محل شرکت و ایجاد فضای پلیسی - امنیتی شبه پادگانی، کنترل، سرکوب و استثمار کارگران را تشدید کرده است. علاوه بر احضار و محاکمه فله‌ای بیش از ۵۰ کارگر پیشرو و مبارز کشت و صنعت هفت‌تپه، بلوکه کردن دستمزد ماهانه شماری از اعضای هیئت‌مدیره سندیکا از جمله فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی و قربان علیپور، علی‌نجاتی عضو برجسته هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه نیز برای چندمین بار به دادگاه احضار شده است.

در سندیکای کارگران شرکت‌واحد نیز تعقیب و آزار و تهدید فعالان سندیکا تشدید شده است. صدور حکم زندان برای اعضای هیئت مدیره از جمله ابراهیم مددی، داود رضوی، رضا شهابی، ممانعت از بازگشت به کار حسن سعیدی و چند تن دیگر از اعضای سندیکا و بالاخره بازگرداندن اجباری رضا شهابی به زندان در ۱۸ مرداد سال جاری که از بو ورود به زندان رجایی‌شهر، در اعتراض به این اقدام دستگاه قضایی و امنیتی، به اعتصاب غذا دست زد، تنها نمونه‌هایی از سیاست‌های سرکوب‌گرانه

"استاد شاگردی" ده سال قبل کابینه احمدی‌نژاد است، به اجرا درآمد. این طرح، در واقع طرح تامین نیروی کار مفت و مجانی برای سرمایه‌داران و طرح بیگاری و تحمیل شرایط شبه برده‌داری بر جوانان و جویندگان کار است. طرحی که تحت عنوان "اشتغال‌زایی" به مرحله اجرا گذاشته شده، نه تنها زاینده هیچ‌گونه اشتغالی نیست که اشتغال‌زدایی از نیروی کار شاغل با سابقه و معترض نیز هست. هدف اصلی این پروژه ضدکارگری، سودرسانی و خدمات بیشتر به سرمایه‌داران و تشدید بیش‌ازپیش استثمار طبقه کارگر است.

علاوه بر این یورش‌ها، بحران مزمین و رکود اقتصادی همراه با تورم فزاینده که بر گلوی طبقه کارگر چنگ انداخته، عموم کارگران ایران را به ورطه فقر تشدید و گرسنگی دائمی افکنده است. توقف و تعطیلی کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خصوصی‌سازی‌ها، هر ساله صدها هزار کارگر را به خیابان پرتاب نموده است. سودجویی و حرص‌و‌آز سرمایه‌داران و فقدان استانداردهای ایمنی محیط کار، هزاران کارگر را دچار نقص‌عضو نموده و یا به کام مرگ فرستاده است. کاهش تعهدات دولتی، امتناع کارفرمایان از پرداخت سهم بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی، کاهش تعهدات قانونی این سازمان، کاهش کمیت و کیفیت خدمات بیمه‌های اجتماعی، کاهش ارزش دفترچه‌های بیمه و مشکل تمدید اعتبار آن، محرومیت کارگران و خانواده‌های کارگری از بهداشت و درمان را دامن زده و بیماری و مرگومیر در میان آن‌ها را افزایش داده است.

### رفقای کارگر، کارگران مبارز!

شما خوب می‌دانید که یورش طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه، به موارد فوق محدود نشده است. در تمام طول دو سال گذشته، رژیم نه فقط حتا یک لحظه از سرکوب و ارباب کارگران غافل نبوده، بلکه اقدامات سرکوب‌گرانه علیه جنبش طبقاتی کارگران و فعالان آن را تشدید نموده است. دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی و انتظامی در هماهنگی کامل با کارفرمایان و سرمایه‌داران، سرکوب برنامه‌ریزی شده‌ای را علیه طبقه کارگر سازمان دادند. از پی هر تجمع و اعتصاب، چندین نفر از فعالان و سازمان‌دهندگان اعتراض متشکل کارگران، به جرم ایجاد "اعتشاش" احضار و محاکمه و بازداشت

## پیام شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به طبقه کارگر

اعتراضات و شعارها بیانگر این واقعیت است که کارگران بکلی دست رد بر سینه نظم حاکم زده و خواهان تغییر و دگرگونی انقلابی وضع موجودند. این مبارزات بار دیگر نشان داد که سرکوب و زندان و اعمال قهر آشکار نتوانسته و نمی‌تواند در برابر مبارزات گسترش‌یافته طبقه کارگر سدی ایجاد کند و یا پیشروان طبقه کارگر را از تلاش برای آگاه‌سازی و تشکلیابی کارگران بازدارد. به‌رغم ارباب و اخراج و زندان و پرونده‌سازی علیه فعالان سندیکای کارگران شرکت‌واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، فعالیت و تحرک این دو سندیکا خاموشی نگرفته که برعکس تعدد اعتراضات و تجمعات اعتراضی در این دو شرکت، نشان‌دهنده این واقعیت است که کارگران پیشرو در این واحدها بویژه سندیکاهای مستقل آن‌ها که همه کارگران این شرکت‌ها را نمایندگی می‌کنند، توانسته‌اند چنان پیوند ارگانیک و مستحکمی با بدنه و توده کارگران برقرار نمایند که قادرند اعتراضات و اعتراضات بزرگی را سازمان دهند. اقدام جدید سندیکای کارگران شرکت‌واحد و اعزام نماینده سندیکا به ژنو، پاریس و آنکارا و بردن مسائل و معضلات کارگران ایران به میان سندیکاها و کارگران جهان، افشای برخوردهای خشن حکومت با دو سندیکای یادشده و دیگر فعالان کارگری، توانست پیوندهای موجود این دو سندیکا و کارگران ایران را با سایر سندیکاها در عرصه بین‌المللی محکم‌تر سازد و پشتیبانی بین‌المللی توده کارگران در حمایت از کارگران ایران را گسترش دهد. این فعالیت‌ها عرصه‌های جدیدی را فراروی این دو سندیکا در جهت جلب حمایت کارگران و افکار عمومی جهان و همچنین تقویت همبستگی بین‌المللی کارگری گشود و پیوند این دو سندیکای کارگری با سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری جهانی را مستحکم‌تر ساخت. باید اضافه کرد گام‌های مهمی که در جهت اتحاد و همکاری نزدیک‌تر میان این دو سندیکا برداشته شده است، رویکرد بسیار مثبتی است که باید آن را تقویت کرد. همکاری نزدیک میان این دو سندیکا، احتمال و امکان شکل‌گیری اتحاد و همکاری وسیع‌تر برگرد این دو تشکل را نیز تقویت کرده است. تمامی شواهد حاکی از آن است که علی‌رغم سرکوب خشن کارگران پیشرو و فعالان سندیکایی، رژیم جمهوری اسلامی نتوانسته است و نمی‌تواند دستاوردهای مبارزاتی که کارگران در زمینه آگاهی، تشکلیابی و تقویت روحیه اتحاد و همبستگی کارگری بیست آورده‌اند، از آن‌ها بازپس بگیرد و یا راه پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران را مسدود سازد.

**رفقای کارگر، کارگران مبارز!**

کمیت بسیار بالای اعتصابات کارگری و هزاران

تجمع و راهپیمایی و دیگر اشکال مبارزاتی در کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی در سرتاسر کشور بیانگر وجود درجه معینی از سازمان‌یافتگی و همبستگی در هر واحد تولیدی و خدماتی و همچنین بیانگر حضور فعال اما مخفی کمیته‌های کارگری در این واحدهاست. این درجه از سازمان‌یافتگی که در عین حال گویای یک مرحله از رشد و اعتلاء جنبش طبقاتی کارگران است، زمینه‌ها و شرایط ضروری ایجاد تشکل‌های سراسری و سازماندهی اعتصاب‌های سراسری را فراهم ساخته است. در همین دوره دو ساله، علاوه بر کمیت بسیار بالای اعتصابات و تجمع‌های اعتراضی منفرد، اعتصابات و اعتراضات فراکارخانه‌ای در یک رشته معین نیز افزایش یافته است. افزون بر اعتصابات و اعتراضات سراسری و مکرر در رشته پتروشیمی و بخش پیشرو طبقه کارگر و نیز در رشته برق، مخابرات و معادن زغال‌سنگ، که بیانگر نطفه‌بندی و شکل‌گیری تشکل‌های فراواحدی و رشته‌ای در این بخش‌هاست و همچنین علاوه بر اعتراضات سراسری و مکرر کارگران بازنشسته، تجمع اعتراضی کارگران شرکت‌حمل و نقل بین‌المللی خلیج در مقابل ساختمان خصوصی‌سازی و همچنین تجمع اعتراضی کارگران بیمه کشاورزی در مقابل ساختمان مدیریت و برنامه‌ریزی که از شهرهای مختلف رهسپار تهران شده بودند، حاکی از نطفه‌بندی تشکل رشته‌ای در این بخش‌ها و حاکی از آن است که تشکلیابی سراسری از همان مسیری می‌گذرد که بخش پیشروتر طبقه کارگر پیش از این، آن را به کارگران نشان داده است.

**رفقای کارگر، کارگران مبارز!**

رهایی قطعی از وضعیت نکبت‌باری که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به‌بار آورده است، در گرو یک انقلاب اجتماعی کارگری، براندازی رژیم حاکم و دگرگونی بنیادی تمام نظم موجود است که تاریخ، رسالت آن را بر دوش طبقه کارگر نهاده است. تنها یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر است که می‌تواند کارگران و زحمتکشان را از فقر و فلاکت و بیکاری نجات دهد، توده‌های وسیع مردم را از اسارت استبداد و بی‌حقوقی برهاند و ریشه تمام تبعیضات و نابرابری‌ها را بخشکاند. در پیکار آشتی‌ناپذیر طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه‌دار، تشکیلات مهم‌ترین سلاح طبقه کارگر است. بدون تشکیلات محکم و رزمنده، طبقه کارگر در برابر دشمنان طبقاتی خود پیشاپیش خلع سلاح است! به‌رغم پیشرفت‌های غیرقابل انکار جنبش طبقاتی کارگران در زمینه آگاهی و تشکلیابی، اما طبقه کارگر هنوز از پراکندگی در رنج و از تشکل سراسری و حزب اخص طبقاتی خود محروم است. این وظیفه کارگران آگاه و سازمان‌های کمونیست است که با افشاندن بذر آگاهی سوسیالیستی در میان کارگران و ایجاد هسته‌های سرخ مخفی که سلول‌های پایه و واحدهای حزب طبقاتی

کارگران‌اند، زمینه‌های ایجاد حزب طبقه کارگر را فراهم سازند. پراکنده بودن اعتصابات کارگری، نقطه ضعف بزرگی است که باید بر آن غلبه کرد و با گذار از این مرحله، اعتصابات سراسری را سازمان داد. اما گذار از اعتصابات پراکنده به اعتصابات سراسری مستلزم ایجاد تشکل‌های سراسری است. از این رو با تمام توان باید روند ایجاد تشکل‌های رشته‌ای را تقویت کرد. کمیته‌های کارگری و کارگران پیشروی که در حال حاضر در کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی، اعتصابات و اعتراضات کارگری را سازماندهی و رهبری می‌کنند، می‌توانند با ایجاد پیوند و هماهنگی میان خود در کارخانه‌ها و موسسات یک رشته‌ی تولیدی و خدماتی، کمیته‌های مخفی هماهنگی را ایجاد کنند و مبارزات کارگران در آن رشته معین را هماهنگ ساخته و اعتصابات سراسری در آن رشته را سازمان دهند. همین کمیته‌های مخفی هماهنگی که پیشروترین و آگاه‌ترین کارگران کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی یک رشته در آن گرد آمده‌اند. شاکله و نطفه اصلی تشکل سراسری در آن رشته خواهند بود. بدیهی‌ست که در جریان رشد و ارتقاء بیشتر مبارزات طبقه کارگر، از به‌هم پیوستن این تشکل‌های سراسری رشته‌های مختلف، می‌توان تشکل سراسری فرارشته‌ای را ایجاد نمود و به یک جنبش منسجم و سازمان‌یافته سراسری شکل داد.

**رفقای کارگر، کارگران مبارز!**

ما شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)، با تقدیم بهترین دروهای کارگری و کمونیستی، یکبار دیگر از مبارزات، اعتصابات و تمام مطالبات شما حمایت می‌کنیم. ما خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط کلیه فعالان کارگری و سندیکایی و کارگران زندانی هستیم. ما همچنین پی‌گردهای امنیتی و قضایی، احضار، محاکمه، حبس و شلاق، اخراج و هرگونه پرونده‌سازی علیه کارگران پیشرو، فعالین اعتصاب‌ها و فعالان سندیکایی، بویژه اعضاء و فعالان سندیکای کارگران شرکت‌واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه را قویا محکوم می‌کنیم. ما خواهان لغو فوری تمام احکام ضدکارگری علیه کارگران و بازگشت به کار تمام کارگرانی هستیم که به جرم سازماندهی و یا شرکت در اعتصاب از کار اخراج شده‌اند. ما شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)، یک بار دیگر اعلام می‌کنیم و با شما رفقا پیمان می‌بندیم که تا پیروزی طبقه کارگر، نابودی نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم همراه و همدوش شما خواهیم بود.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران -**

**برقرار باد حکومت شورایی**

**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**

**شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان**

**فداییان (اقلیت) - شهریور ۱۳۹۶**

## پیام شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به طبقه کارگر

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) در شرایطی برگزار شد که طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه، وخیم‌ترین شرایط اقتصادی و معیشتی را بر طبقه کارگر ایران تحمیل نموده است. طی دو سال گذشته، یورش‌های طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه علیه طبقه کارگر ایران ادامه و گسترش یافت. ادامه اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال، دستمزدهای ناچیزی که حدود یک چهارم خط فقر است، تاخیر در پرداخت و بلوکه کردن همین دستمزدها، قراردادهای موقت، پیمانی و سفیدامضاء، بیکارسازی‌های وسیع، ناامنی شغلی و تراکم بیش‌ازپیش صفوف میلیونی بیکاران و جویندگان کار، استنثار و بهره‌کشی از طبقه کارگر را تشدید و فقر و فشار و محرومیت باز هم بیشتری را بر کارگران و خانواده‌های کارگری تحمیل نمود. یورش طبقه حاکم در این عرصه‌ها با یورش مداوم آن برای تشدید بی‌حقوقی و تحمیل شرایط کار و زیست برده‌وار بر کارگران همراه بود. تلاش‌های علی ربیعی وزیرکار کابینه روحانی برای تصویب "لایحه اصلاح قانون کار" دست‌پخت کابینه احمدی‌نژاد ادامه یافت. طرح باصلاح کارورزی و اشتغال جوانان که در اساس همان طرح فوق‌ارتجاعی

در صفحه ۱۸

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به یکی از آدرس‌های زیر ارسال نمایید.

دانمارک:

I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

سوئیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

هلند:

Postbus 23135  
1100 DP  
Amsterdam Z.O  
Holland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

IBAN:

NL08INGB0002492097

BIC: INGBNL2A

Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

<http://74.91.172.21/>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 748 September 2017

با **سازمان فدائیان (اقلیت)** از طریق وایبر، واتس‌آپ و تلگرام در تماس باشید  
تلفن هوشمند یا تبلت دارید؟ از نرم‌افزارهایی مثل وایبر، واتس‌آپ و تلگرام استفاده می‌کنید؟ ما را به فهرست خود اضافه کنید، پیام‌ها، تصاویر، فیلم‌ها و نظرات خود را برای ما بفرستید:  
۰۰۳۱ (۰) ۶۴۴۹۲۸۳۷۲



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می‌کنند

[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

بدینوسله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دکراسی شورایی می‌رسانیم که :

برنامه های تلویزیون دکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هات برد مجددا از ماهواره یاه ست پخش می شود.

مشخصات ماهواره :

ماهواره یاه ست Satellite Yahsat

فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency 11766

عمودی Polarization Vertical

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate 27500

اف ای سی ۵ / ۶ FEC 5/6

ساعت پخش برنامه های تلویزیون دکراسی شورایی :

چهارشنبه ها ساعت نه ونیم شب بوقت ایران

( ساعت ده صبح بوقت لس آنجلس و هفت عصر بوقت اروپای مرکزی )

بازپخش این برنامه : روز پنجشنبه نه و نیم صبح بوقت ایران

( ده شب پنجشنبه بوقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه بوقت اروپای مرکزی )

اینترنت :

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای ، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه های تلویزیون دکراسی شورایی را مشاهده کنید .

۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده ، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای " جی . ال . ویز "

[www.didgah.tv](http://www.didgah.tv)

[www.glwiz.com](http://www.glwiz.com)

۲- به صورت آرشیو ، در سایت سازمان فداییان - اقلیت :

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>

<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.  
توجه : بینندگان عزیز تلویزیون دکراسی شورایی جهنت اطلاع ؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران ، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته ، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی